

ولحن<sup>۱</sup>، وسناد<sup>۲</sup>، وایطاء<sup>۳</sup>، و اقواء<sup>۴</sup>، و احاله<sup>۵</sup> و اضطرار<sup>۶</sup> گفتار، و هلهلة السنج<sup>۷</sup> و سائر چیزهائیکه از معایب شعر بشمار میرود - که بیش از سیصد ورق است<sup>۸</sup>.

کتاب الشعر، مشتمل بر فضائل شعر، و توصیفی از محاسن، و منافع و مضار، و معایب آن و چگونگی انواع و اقسام (و وزن) و عروض آن، و ذکر اشعاری که برگزیده او بوده، و پایه ادبی گویندگان، و اشعاریکه منحول و سرقت شده است (و این کتاب بیش از دوهزار ورق است). کتاب اشعار النساء - بیش از پانصد ورق<sup>۹</sup> کتاب اشعار الخلفاء - بیش از دویست ورق.

کتاب المقتبس - مشتمل بر اخبار نحویان بصره (و ذکر) اول کسیکه در آن سخنی گفته (و کسیکه) در آن تألیفی داشته و اخبار قاریان<sup>۱۰</sup> و راویان از مردم بصره و کوفه، و آنانکه بیغداد رفته و مقیم آنجا شدند. در حدود سه هزار ورق<sup>۱۱</sup>.

کتاب المرشد - (و در آن) اخبار متکلمان (و اهل عدل و توحید، و شمه از مجالسات و نظریات آنان)، در حدود هزار ورق<sup>۱۲</sup>.

کتاب اشعار (ینسب) الی الجن - در حدود یکصد ورق.

کتاب الریاض - در اخبار دلباختگان (که بچند باب تصنیف شده) و مشتمل است بر - بیانی در عشق و منشعبات آن، و آغاز و پایان آن، و نامهایی که لغویان بآن داده، و انواع آن نامها، و مشتقات آنها، با ذکر پاره‌ای شواهد از اشعار دوره جاهلیت، و مخضرمیان، و اسلامیان، و شاعران بعد از آنان (بیش از) سه هزار ورق.

(کتاب الرائق - در اخبار مغنییان، که بیش از هزار و ششصد ورق است).

۱- لحن - خطا در اعراب کلمه (اقرب الموارد).

۲- سناد - در شعر عرب اختلاف حدو است و اختلاف تأسیس (المعجم فی معاییر اشعار -

المعجم ص ۲۷۷). ۳- ایطاء - بازگردانیدن قافیتی است دو بار (المعجم ص ۲۷۸).

۴- اقواء - اختلاف حدو و توجیه است (المعجم، ص ۲۷۶).

۵- احاله - اشاره بیک واقعه در شعر است (فرهنگ دوزی - عربی فرانسه).

۶- ف (اضطراب). ۷- هلهلة السنج - سخیف بودن نسج شعر (المنجد).

۸- ف (عدد ورقه ثلثماته ورقه).

۹- ف (ششصد ورق).

۱۰- ف (الفراء) جب (القراء).

۱۱- ف (هشتاد ورق).

۱۲- ف (کمتر از صد ورق).

کتاب الوائق - در توصیف غنا و آواز ، و کیفیات و اقسام و طریقه‌های آن ، و اخبار

مغنیان از مرد وزن ، چه آنهایی که آزاد بودند و چه آنهایی که برده و زر خرید شمرده می‌شدند<sup>۱</sup>

کتاب الازمنه - در شرح چهار فصل ، تابستان ، زمستان ، و دو فصل معتدل (و توصیف) گرما ، و سرما ، و ابر ، برق ، باد ، و باران ، و آبیاری ، و استسقاء<sup>۲</sup> و آنچه از اوصاف بهار و خزان است ، و سپس شمه درباره فلك و برجهای آسمانی ، و آفتاب ، و ماه ، و خانه‌های آنها ، و توصیف وقایع بندیهایی که عرب در آن نموده (و ستارگان سیار ، و ثابت و احوال شب و روز) و سرگذشت‌های عرب و عجم ، و ماهها ، و سالها ، و هزاران سالهای گذشته (و هر لغتی که در ابواب این کتاب آمده) چه در اخبار و چه در اشعار ، همه را مشروحاً ذکر نموده ، و در حدود دوهزار ورق است .

کتاب الانوار و الثمار - مشتمل بر پاره اشعاری که درباره گل سرخ ، و نرگس ، و انواع گلها گفته شده ، یا در اخبار و آثار در این باره چیزی آمده ، و سپس ثمره‌های درختی از خرما و سایر میوه‌جات ، و نظم یا نثری خوبی که در این باره گفته شده ، که در حدود پانصد ورق است<sup>۳</sup> .

کتاب اخبار البرامکه - از آغاز کارشان تا زمانیکه جاه و جلالشان نابود گردید ، بطور مشروح ، در حدود پانصد ورق . کتاب المفضل - در بیان ، و عربیت ، و کتابت ، در حدود هفتصد ورق<sup>۴</sup> . کتاب التهانیه - در حدود پانصد ورق . کتاب التسلیم و الزیارة - چهارصد ورق . کتاب العیاده<sup>۵</sup> در حدود چهارصد ورق . کتاب المغازی - در حدود سیصد ورق . کتاب المراثی - در حدود پانصد ورق . (کتاب المعلی فی فضائل القرآن - دوست ورق) . کتاب تلقیح العقول - بیش از یکصد باب ، اول - باب (فی) العقل . بعد باب الادب - بعد باب العلم ، و آنچه متجانس و نزدیک بآن است . بیش از سه هزار ورق ، کتاب المشرف ، در حکم و اندرزهای پیغمبر صلی الله علیه و سلم<sup>۶</sup> و مواعظ صحابه<sup>۷</sup> رضوان علیهم ، و دیگران ، و پند و اندرزهای

۱ - احتمال می‌رود که همان کتاب الرائق باشد .

۲ - استسقاء طلب باران ، و آب جوئی (منتهی الارب) .

۳ - میان نسخه چاپی و خطی در ذکر محتویات این کتابها پس و پیشهای فراوان است مانند رقم صفحات هر کتاب که در چاپ فلوکل پس از نام کتاب و در نسخه چستربیتی در پایان شرح محتویات آن کتاب ذکر گردیده است .

۴ - ف (در بیان و فصاحت در حدود سیصد ورق) .

۵ - ف (العبادة) . ۶ - ف (و آله) .

۷ - ف (ومواعظه و اصحابه) .

عرب وعجم هزار و پانصد ورق<sup>۱</sup> . اخبار من تمثل بالاشعار<sup>۲</sup> ، بیش از یکصد ورق . کتاب الشباب والشیب در حدود سیصد ورق . کتاب المتوج - در عدل و حسن سلوک - بیش از یکصد ورق . کتاب المدیح - در میهمانی ، و دعوت ، و آشامیدنیا - در حدود پانصد ورق . کتاب الفرج<sup>۳</sup> ( نزدیک ) بصد ورق . کتاب الهدایا ، در حدود سیصد ورق . کتاب الهدایا - یک نسخه دیگر . کتاب المزخرف ، در دوستان و یاران - بیش از سیصد ورق . اخبار ابی مسلم ( الخراسانی ) صاحب الدعوه ، بیش از یکصد ورق . کتاب الدعاء - ( در حدود ) دوست ورق . کتاب الاوائل - در اخبار پارسیان قدیم و اهل عدل و توحید ، و شمه از مجلسها و نظریات آنان ، در حدود هزار ورق<sup>۴</sup> کتاب المستظرف - در ابلهان ، و چیزهائی نادر - بیش از سیصد ورق . اخبار الاولاد والزوجات والاهل - آنچه درباره آنها گفته اند از مدح و ذم ، در حدود دوست ورق . کتاب الزهد والزهاد ، بخط مرزبانی ( در حدود دوست ورق ) . کتاب ذم الدنيا ، بیش از یکصد ورق<sup>۵</sup> کتاب المنیر ، در توبه ، و کارهای نیکو ، و پرهیزکاری ، و پاکدامنی ( و مانند آن ) بیش از سیصد ورق<sup>۶</sup> . کتاب الحجاب<sup>۷</sup> یکصد ورق<sup>۸</sup> . ( کتاب المواعظ و ذکر الموت ، بیش از پانصد ورق ) کتاب ( اخبار ) المحتضرن ، در حدود یکصد ورق . کتاب شعر الحاتم الطائی در حدود دوست ورق . کتاب ابی حنیفه النعمان بن ثابت ( و اصحابه ) در حدود پانصد ورق . کتاب اخبار عبدالصمد بن المعدل ، در حدود دوست ورق . کتاب اخبار شعبة بن الحجاج در حدود دوست ورق . اخبار ابی عبدالله محمد بن حمزة العلوی ، در حدود یکصد ورق . کتاب نسخ العهود الی القضاة ، در حدود دوست ورق . کتاب اخبار ملوک کنده - در حدود دوست ورق . اخبار ابی تمام بتهائی ، در حدود دوست ورق .

( و مرزبانی مسوده کتابهای زیادی دارد که شروع بتألیف آنها نموده است چون : )  
 ( اعیان الشعر فی المدیح ، و الهجاء ، و الفخر والجدود - و اخبار الاجواد - و الاوصاف )  
 ( والتشبیهات . و بیش از بیست هزار ورق از کتابهائی که بخط خود داشت وقف کرده است ) .

- |                                |   |
|--------------------------------|---|
| ۱- ف ( در حدود سه هزار ورق ) . | ۲- ف ( المتمثلین فیہ ذکر من تمثل بشعر ) . |
| ۳- ف ( الفرخ - در حدود ) .     | ۴- جب ( حدود یکصد و پنجاه ورق ) .         |
| ۵- ف ( پانصد ورق ) .           | ۶- ف ( در حدود چهارصد ورق ) .             |
| ۷- ف ( ذم الحجاب ) .           | ۸- ف ( دوست ورق ) .                       |

## ابن تستری

سعید بن ابراهیم بن تستری ، مکنی بابوالحسین ، نصرانی ، و هم‌زمان با ما میباشد ، او و پدرش از دست پروردگان بنوفراتند . و در نامه‌نگاری رعایت سجع را زیاد مینمایند . و این کتابها از اوست : کتاب المقصور والممدود . بترتیب حروف هجاء . کتاب المذکر و المؤنث . بهمان ترتیب . کتاب الرسائل . کتاب رسائله المجموعه فی کل فن - ساخته خود او .

## ابن حاجب نعمان

ابوالحسین عبدالعزیز بن ابراهیم . و پدرش حاجب نعمان بن<sup>۱</sup> عبدالله کاتب است . و ابوالحسین یگانه مرد آن زمان در فضل ، و بزرگواری ، و معرفت بنوشتن دواوین بود ، و در دوران معزالدوله دیوان السواد را داشت ، و کتابخانه<sup>۲</sup> بهتر از کتابخانه او دیده نشد ، زیرا محتوی برعین کتاب ، و دیوانهای یگانه‌ای بخط علماء صاحب کتاب بود . وفاتش (در سال) ... و این کتابها از اوست : کتاب نشوة النهار فی اخبار الجوار . کتاب الصبوة . کتاب اشعار الکتاب . کتاب اخبار النساء - معروف - بکتاب ابن الدکانی . کتاب الفرر و مجتبی الزهر . کتاب انس ذوی الفضل فی الولاية والعزل .

## صابی

ابواسحاق ابراهیم بن هلال بن ابراهیم بن هارون<sup>۲</sup> از مترسلان بلیغ و شاعر ، و عالم بهندسه بود ، و در کتابت و بلاغت و شعر ، هنرمندی بیشتری داشت . ولادتش در سال سیصد و بیست و اندی ، و وفاتش قبل از سیصد و هشتاد است . و از تألیفات اوست : دیوان شعر . کتاب دیوان رسائل تا زمان ما ، در حدود هزار ورق . کتاب اخبار اهله و ولد ابیه<sup>۳</sup> - که برای یکی از فرزندانش تألیف کرد . کتاب دولة بنی بویه و اخبار الدیلم و ابتداء امرهم - معروف بتاجی (یا عضدی) . کتاب مراسلات الشریف الرضی ابی الحسن محمد بن الحسن الموسوی .

## اخبار ابو محمد بن یزید

## مهلبی

ابو محمد حسن بن محمد ، وزیر معزالدوله ، شاعری بلیغ . و باقی مانده گذشتگان بود

۱- ف (نعمان ابی عبدالله) . ۲- ف (زهرون) . ۳- ف (ابنه) .

وفاتش در ... و دارای : کتاب رسائل و توقعیات و دیوان شعر است ، و اشعار کمی دارد .

### صاحب

ابوالقاسم بن عباد یگانه دوران ، و تنها مرد زمان خود بود . و در بلاغت و فصاحت و شعر همانندی نداشت ، این کتابها از اوست : کتاب دیوان رسائل . کتاب الکافی فی الرسائل کتاب الزیدیه . کتاب الاعیاد و فضائل النیروز . کتاب الامامه -- در بیان تفضیل و برتری علی بن ابوطالب و تثبیت امامت پیشینیان او . کتاب الوزراء . کتاب الکشف عن مساوی شعر المتنبی . کتاب مختصر اسماء الله عزوجل و صفاته .

### گروه دیگر

#### حفصویه

نامش ... (پدر بزرگ عبدالعزیز شاعر عسجدی مروزی از طرف مادر بود . و میگفت : رسویه<sup>۱</sup> حفصویه ، کاتبم من چنین آمد از سوی مادر بر آدم<sup>۲</sup>) وی از فضلاء کاتبان در خراج بود . و در کار خود بر همه کس برتری داشت . و اول کسی است که در خراج کتابی تألیف کرد . و این کتابها از اوست : کتاب الخراج . کتاب الرسائل .

#### ابن عبدالکریم<sup>۳</sup>

نامش احمد بن محمد بن عبدالکریم بن ابوسهل - که باو ابوسهل احوال ، میگفتند کنیه اش ابوالعباس ، و از برجسته گان و فضلاء و نویسندگان در خراج بود که بر همه برتری داشته و در سال دوست و هفتاد وفات یافت . و از کتابهای اوست : کتاب الخراج .

#### ابن ماشطه

ابوالحسن علی بن الحسن . و مظلوم ویرا با بن ماشطه ملقب داشته و زمانش هم زیاد

۱- در متن هم نقطه ندارد .  
 ۲- جب در حاشیه (بخط دیگر است) .  
 ۳- ف (عبدالکهم) .

دور از ما نیست. وی در حساب و درکار خراج هنرمند و برجسته بوده و این کتابها از اوست: کتاب جواب المعنت . کتاب الخراج - نازک است - کتاب تعلیم بعض المؤامرات . ( آنرا بخط وی دیده‌ام ) .

### ابن بشار

احمد بن محمد بن سلیمان بن بشار ، استاد ابو عبدالله کوفی وزیر ، یکی از فضلاء کاتبان در صنعت بلاغت بود و این کتابها از اوست : کتاب الخراج - و من مسوده آن را بخطش دیدم که در حدود هزار ورق بود . کتاب الشراب<sup>۱</sup> و المنادمه - بخط وی ( دیده‌ام ) .

### عبدالله بن حماد

بن مروان کاتب . بیش از این درباره او چیزی نمیدانیم - و از کتابهای اوست : کتاب معانی الشیب و آداب ، و فضل الوانه ، و ترتیب معداته<sup>۲</sup> و ما قبله<sup>۳</sup> و نظماً و ثراً و الخضبات .

### کاتبی دیگر

معروف ببعقوب بن محمد بن علی ، و از کتابهای اوست : کتاب الخضبات و ذم المشیب<sup>۴</sup> و مدح الشباب .

### محمد بن احمد

بن علی بن حماد<sup>۴</sup> کاتب ، و از کتابهای اوست : کتاب الخراج .

### ابن سریح

در زمان ما و هم‌اکنون در قید حیا است . نامش اسحاق بن یحیی بن سریح نصرانی مکنی بابو الحسن است ، بکارهای دیوانی و سرو کله زدن با کارمندان ، و صنعت خراج معرفت بسزائی دارد و در نجوم<sup>۵</sup> نیز قدمهائی برداشته و با اطلاع است . ولادتش در شعبان سال سیصد بوده ، و این کتابها از اوست : کتاب الخراج الکبیر<sup>۶</sup> و آنرا بدو جزء عوشش منزل در آورده است .

۱- ف (البيوتات) .

۲- ف (مقدماته) .

۳- ف (الشیب) .

۴- ف (خيار) جب (نقطه ندارد) . ۵- ف (در نحو) .

۶- ف (کبیر جزئین) .

کتاب (صناعة) الخراج الصغير . و منازلی برای آن قرار داده . کتاب عمل<sup>۱</sup> الموامرات بالحضرة . کتاب تحویل سنی الموالد - در حدود یکصد ورق . کتاب جمل التاريخ ، جمع شده ...

### گروه دیگر

#### باح

ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن غالب اصفهانی ، و باح لقب اوست . فصیح و مترسل و کاتب بود ، و برای گفتن این مصرع در ابیاتی که سروده است ویرا باح خواندند .

#### باح بمافی الفواد باحا<sup>۲</sup>

وی بیفداد آمده بر بغیانی در آمد ، و کتاب الرسائل را برای فرزندان او تألیف کرد ، و این کتابها از اوست : کتاب جامع الرسائل - در هشت جزء و بعد جزءنهم را بر آن افزوده و آن کتاب را الموصول نامیده و بترتیب انتشار داد . کتاب التوشیح و الترشیح فی بعض الثنویة<sup>۳</sup> بین الشعوبیه . کتاب الخطب والبلاغة . کتاب الفقر .

#### ابومسلم

محمد بن (مسلم بن) بحر اصفهانی ، کاتب و مترسل و بلیغ و متکلم بود و بسیار مجادله و مناقشه میکرد . و ابوالحسن علی بن عیسی ویرا تعریف کرده و باو دلبستگی داشت . و این کتابها از اوست : کتاب جامع التاویل لمحکم التنزیل علی مذهب المعتزله - در تفسیر قرآن - بزرگ است . کتاب جامع رسائله .

#### ابن طباطبائی

ذکرش در شعر و شعرا بیاید<sup>۴</sup> ، و این کتابها از اوست : کتاب سنام المعالی . کتاب عیار<sup>۵</sup> الشعر . کتاب الشعر والشعراء - منتخبات خود او . کتاب دیوان شعره .

۱- ف (علم) .

۲- آشکارا نمود هرچه در دل داشت . آشکار

۳- ف (التسویة) .

۴- (در مقاله چهارم که اختصاص بشعر و شاعران دارد نامی از ابن طباطبائی دیده نمیشود) .

۵- ف (غبار) .

### دیمرتی

نامش ... ودیمرت<sup>۱</sup> جایی است در اصفهان . وی مردی بلیغ و مصنف و از نحویان بشمار میرفت از کتابهای اوست: کتاب تهذیب الطبع .

### ابن ابو عواذل

( و او ... ) .. از کتابهای اوست : کتاب البراعة واللسن .

### ابو حصین

محمد بن علی اصفهانی دیمرتی . و این کتابها از اوست : کتاب مثالب ثقیف و سائر- العرب . کتاب الحماسه .

### عبدالرحمن

بن عیسی همدانی ، کاتب بکر بن عبدالعزیز بن ابو دلف ، شاعر و کاتب بود ، و از کتابهای اوست: کتاب الالفاظ .

### ابن عبدکان

نامش محمد ... ، کاتب طولونیه<sup>۲</sup> بلیغ ، و از مترسلان فصیحی بود . و دیوان رسائل بزرگی دارد .

### ابن ابو بغل

نامش (احمد بن) محمد بن یحیی بن ابو بغل ، و مکنی بابوالحسین بود ویرا از اصفهان خواستند ، چون در دوران مقتدر وزارت آنجا را داشت ، و بلیغ ، و مترسل ، و فصیح ، و جوانمرد با انصافی بود . اشعار بسیار خوب و مطبوعی هم دارد . و این کتابها از اوست: دیوان رسائله .

۱- دیمرت - بکسر اول و فتح آن و سکون دوم و فتح میم و سکون راء و ث از نواحی اصفهان است (معجم البلدان) .

۲- بنی طولونه یا بنی طولون خاندان احمد بن طولون است که در دوران بنی عباس در سالهای ۲۵۴-۲۹۱ در مصر و شامات امارت و حکمرانی داشتند (ر.ک. قاموس الاعلام ترکی) .



کتاب رسائله فی فتح البصرة .

**محمد بن قاسم کرخی**

یکی از کاتبانی است که لیاقت وزارت را داشت، و مترسل بلیغی بود . این کتابها از اوست : دیوان رسائل . دیوان شعره .

**الباحث عن معاصر العلم**

نامش محمد بن سهل بن مرزبان ، مکنی بابو منصور ، از مردم کرخ<sup>۲</sup> و یکی از بلیغان فصیح بود و کسیکه او را دیده بمن گفت : دستهایش از کار افتاده است<sup>۳</sup> و این کتابها از اوست : کتاب المنتهی فی الکمال - مشتمل بر این دوازده کتاب : کتاب مدح الادب . کتاب صفة البلاغة . کتاب الدعاء و التحامید . کتاب الشوق و الفراق . کتاب الحنین الی الاوطان . کتاب التهانی و التعازی . کتاب الامل و المامول . کتاب التشبیات<sup>۴</sup> و الطلب . کتاب الحمد و الذم . کتاب الاعتذارات . کتاب الالفاظ . کتاب نفائس الحكم .

**ابوسعده عبدالرحمن**

ابن احمد اصفهانی . مؤلف : کتاب رسائل .

**ابهری اصفهانی**

جز این درباره او چیزی ندانیم . و این کتابها از اوست : کتاب تهذیب الفصاحه . کتاب ادب الکاتب . کتاب الندیم .

۱- ف (المقسم) .  
 ۲- کرخ در قدیم دهکده دور افتاده از بغداد بود و حمدالله مستوفی آنرا از مؤسسات شاپور دوم پادشاه ساسانی دانسته و یاقوت حموی ریشه آن کلمه را نبطی گفته و برخی آنرا آرامی یا سریانی دانند و از زمان عباسیان نام محله ایست در غرب بغداد . (ر.ک. دلیل خارطة بغداد ص ۱۱) .  
 ۳- ف (انتقل الیه) جب (اشل الید) .  
 ۴- ف (التشبیات) .  
 ۵- ف (ابوسعید) .

## جیهانی

ابو عبدالله احمد بن محمد بن نصر (جیهانی، کاتب)، وزیر حکمران خراسان. و این کتابها از اوست: کتاب المسالك و الممالك. کتاب آئین. مقالات کتب العهود للخلفاء و الامراء. کتاب الزيادات فی کتاب الناسی فی المقالات<sup>۱</sup>. کتاب رسائل.

## ابوزید بلخی

نامش احمد بن سهل، و از فاضلان در علوم قدیم و جدید بود، و در تصنیفات و تألیفات رویه فلاسفه را داشت. ولی چون برویه ادباء شباهت و نزدیکی بیشتری داشت ما بذکر او در اینجا پرداختیم.

از ابوزید حکایت کرده اند که میگفت: حسین بن علی مرو روذی<sup>۲</sup> که برادری صعلوک داشت<sup>۳</sup>، همیشه برای من مقدار معینی جائزه و صله میفرستاد، و همینکه کتاب بحث در کیفیت تاویلات را تألیف کردم همه آنها را قطع کرد. و ابوعلی جیهانی وزیر نصر بن احمد، جائزه هائی بمن ارزانی میداشت و همینکه کتاب القرا بین و الذبائح را تألیف کردم، مرا از آن محروم داشت. و حسین از قرمطیان<sup>۴</sup> و جیهانی از ثنویه بود.

ابوزید متهم بالحداد شد، و از بلخی حکایت کنند که گفته است، این شخص - یعنی ابوزید مظلوم است. او موحد بوده و من بیش از دیگران او را میشناسم، ما با هم بزرگ شدیم و او در منطق دستی پیدا کرد چون ما منطق را با هم خواندیم و خدا را شکر که ملحد نشدیم.

تألیفات ابوزید: کتاب شرائع الادیان. کتاب اقسام العلوم<sup>۵</sup>. کتاب اختیارات السیر کتاب کمال الدین (هو الابانة عن اعمال الدین). کتاب السياسة الکبیر. کتاب السياسة الصغیر. کتاب فضل صناعة الكتابة. کتاب مصالح الابدان و الانفس. کتاب اسماء الله عزوجل وصفاته. کتاب صناعة الشعر. کتاب فضیلة علم الاخبار. کتاب الاسماء والکنی والالقباب. کتاب اسامی-الاشیاء. کتاب النحو والتصریف. کتاب الصورة والمصور. کتاب رسالته فی حدود الفلسفة. کتاب ما یصح من احکام النجوم. کتاب الرد علی عبدة الاصنام. کتاب فضیلة علوم الرياضیات.

۱- ف (کتاب الزيادات فی کتاب آئین فی المقالات).

۲- رجوع شود بصفحه ۹۰ همین کتاب.

۳- جب (وهو اخو صعلوک) ف (واخوه صعلوک) و ممکن است مراد بمعنا یعنی (درویش) باشد.

۴- رجوع شود باسماعیلیه در فن پنجم از مقاله پنجم همین کتاب.

۵- ف (المعلوم).

کتاب فی اقتناء<sup>۱</sup> علوم الفلسفه . کتاب القرائین والذبائح . کتاب عصمة<sup>۲</sup> الانبیاء علیهم السلام . کتاب نظم القرآن . کتاب قوارع القرآن . کتاب العتاک والنساک . کتاب جمع فیہ ما غلق<sup>۳</sup> عنه فی غریب القرآن . کتاب فی آن سورة الحمد ینوب عن جمیع القرآن . کتاب اجوبة ابی القاسم الکنعی الکنعی . کتاب النوادر فی فنون شتی . کتاب اجوبة اهل فارس . کتاب تفسیر صور کتاب السما والعالم لابی جعفر الخازن . کتاب اجوبة ابی علی بن ابی بکر ابن المظفر - معروف بابن محتاج . کتاب اجوبة ابی اسحاق<sup>۴</sup> المؤدب . کتاب المصادر . کتاب اجوبة مسائل ابی الفضل<sup>۵</sup> السکری . کتاب الشطرنج (والنرد) . کتاب فضیلة<sup>۶</sup> مکة علی سائر البقاع . کتاب جواب رساله ابی علی بن المنیر الزیادی . کتاب منیة<sup>۷</sup> الکتب . کتاب البحث عن التاویلات (بزرگ است) . کتاب الرساله السالفة الی العاتب علیه . کتاب رسالته فی مدح الوراقه . کتاب وصیة .

### بشتی<sup>۸</sup>

ابوالقاسم ... از کتابهایش چیزی ندیده‌ام ، ولی ابوعلی بن سوار کاتب (رحمه الله) . بمن گفت او همان کسی است که کتابخانه وقف بصره را مرتب نمود . و از دوستان علم بوده و شورو شعفی بآن داشت ، و گفت این کتابهای او را در کتابخانه خود در بصره دارم . محمد بن اسحاق گوید : من تردید دارم که بشتی با شین است یا با سین ، زیرا بست از جاهای معروف سجستان بوده و بش<sup>۹</sup> را ندانم کجاست<sup>۱۰</sup> و ابوعلی آن را با شین نقطه دار تلفظ میکرد . و ما تحقیقاتی درباره این شخص و کتابهایش کرده و در جای خود انشاء الله ذکر خواهیم نمود . ابوعلی میگفت این کتابها از اوست : کتاب الاشجار و النبات . کتاب وصف هواء جرجان . کتاب جوابه فی قدم العالم . کتاب فی علة الورد<sup>۱۱</sup> الموجه بوجهین . کتاب صون العلم و سياسة النفس . کتاب رسالته فی سنن<sup>۱۲</sup> عضوا لرئیس من بدن الانسان .

۱- ف (افشاء) . ۲- ف (عصم) . ۳- ف (ماغاب) .

۴- ف (ابی القاسم) . ۵- جب (ابی القتیل) . ۶- ف (فضایل) .

۷- ف (منبه) . ۸- ف (البستی) .

۹- ف (بشت) . ۱۰- بست بضم شهریست میان سجستان و غزنین و هرات

و از نقاط گرم است و امروز بآن ناحیه گرمسیر گویند . و بشت بضم شهریست در نواحی نیشابور بقول ابوالحسن بن زید بیهقی آن را بدین جهت چنین خواندند که بشتاسف شاه پایه گذار آن بوده ، و آنجا شهرستانیست که مرکز آن طریثیت نامیده شده و بقولی نیز چون در پشت سر نیشابور است باین نام نامیده شده و مشتمل بر دویت و بیست و شش دهکده است و نیز در بادغیس از نواحی هرات دهکده بنام پشت می باشد (ر.ک معجم البلدان زیر بست و بشت) .

۱۱- ف (الوزیر) . ۱۲- ف (فی سبرالعضو) .

### حمزة بن حسن

از مردم اصفهان ، ادیب و مصنف بود . و از کتابهای شعری او : کتاب اصفهان و اخبارها . کتاب التشبیهات . کتاب انواع الدعاء . ( کتاب التصحیف ) . کتاب الامثال علی افعال و یدخل فیہ الشعرية و النثرية . کتاب الامثال الصادره عن ثبوت الشعر . کتاب التنبيه علی حروف المصحف . کتاب رسائل . کتاب التماثيل فی تباشیر السور .

### حکمویه بن عبدوس

از مردم اطراف جبل<sup>۱</sup> ، و جز این درباره او چیزی نمیدانیم . و از کتابهای اوست : کتاب الشوارد<sup>۲</sup> فی الرسائل .

### سمکه

آموزگار ابن عمید . نامش محمد بن علی بن سعید . و از کتابهای اوست : کتاب اخبار العباسیین .

### کشاجم

ابوالفتح محمود بن حسین ، شعر و ادبش شهرت دارد . و این کتابها از اوست : کتاب ادب الندیم . کتاب الرسائل . کتاب دیوان شعره .

### خشکناجۀ<sup>۳</sup> کاتب

از مردم بغداد ، بیشتر در رقه<sup>۴</sup> اقامت داشت ، و بعد بموصل رفت . نامش علی بن وصیف ، که او را علیا میگفتند<sup>۵</sup> وی از بلیغان بتمام معناست ، و چندین کتاب تألیف کرده ، که عبدان رهبر اسماعیلیه آنها را بخود نسبت داد . و او از دوستان من است که با هم انسی داشتیم ، و در موصل وفات یافت و از شیعیان بشمار میرفت . این کتابها از اوست : ( کتاب الايضاح والتثقیف فی آئین الخراج ورسومه ) ، کتاب النثر الموصل بالنظم . کتاب صناعة البلاغه .

۱- رجوع شود بصفحه ۷۴ همین کتاب . ۲- ف (السواد) .

۳- ف (خشکناکه) . ۴- رقه - از شهرهای مشهور کنار فرات است (معجم البلدان) .

۵- ف - بجای این جمله دارد (ابوالحسن) .

کتاب الفوائد . دیوان شعره .

### (فرزندش ابوالحسن<sup>۱</sup>)

(احمد بن علی . کاتب و شاعر بلیغی بود، و در مدینه السلام وفات یافت . و این کتابها)  
(از اوست : کتاب النثر الموصول بالنظم . کتاب صناعة البلاغة . کتاب الفوائد) .

### ابن کثیر<sup>۲</sup> اهوازی

ابوبکر<sup>۳</sup> احمد بن محمد بن فضل . و از کتابهای اوست : کتاب مناقب<sup>۴</sup> الکتاب .

### ابونمله<sup>۴</sup> نمیلی

و بقولی نملی ، جزاین چیزی از او نمیدانیم . و این کتاب از اوست : کتاب الشذور  
فی موامرات الخلفاء و الامراء .

۱- ظاهراً فلوکل اشتباه کرده و ابوالحسن را کنیه خشکناچه دانسته بدلیل اینکه کتابهای او را ضمن نام خشکناچه ذکر کرده و راجع بنفرزند خشکناچه چیزی ندارد .  
۲ و ۳- ف (ابو کبیر) .  
۴- جب (مناوب) .  
۵- ف (ابونمیله) .

(توسعه‌یافته‌ی مقاله‌ی ...)

(مؤلف: ... - مقاله‌ی ... در ...)

... مقاله‌ی ... در ...

مقاله‌ی ...

## (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ)

فن سوم - از مقاله سوم

از کتاب الفهرست

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر :

اخبار ندیمان، جلیسان، و ادیبان، و مغنیان، و صفادمه و صفاعنه<sup>۱</sup>

و کسانیکه مردم را بخنده می‌انداختند، و نام کتابهای آنان

اخبار اسحاق بن ابراهیم موصلی

و پدر<sup>۲</sup> و خانواده<sup>۳</sup> او

ابراهیم در سال یکصد و بیست و پنج بدنیآ آمد، و فرزند میمون بود، و میمون، ماهان نام داشت که آن را بمیمون برگردانیدند. و ابوالفضل حماد بن اسحاق گوید: پدرم نسب جدم ابراهیم را چنین میگفت، ابراهیم بن ماهان بن بهمن بن نسک. و یزید مهلبی گوید: اسحاق بمن گفت، ما از مردم ارجان<sup>۳</sup> هستیم. و اربابان ما از حنظلیان بودند و کشتزارهایی

۱- رجوع شود بصفحه ۴ همین کتاب. ۲- ف (ابنه) جب (وابیه).

۳- ارجان شهر است که در سمت فرسخی غرب شیراز و اهواز قرار دارد. (رک. معجم البلدان).

نزد ما داشتند. و بدین سبب ما را موصلی نامیدند که ....

صولی گوید: اسحاق بن ابراهیم این فرزندان را داشت: حمید، حماد، احمد، حامد، ابراهیم، و فضل. و از فرزندان ابراهیم موصلی جز اسحاق، و طیب کسی دیگر آوازخوان نبود. ابراهیم بسال یکصد و بیست و پنج قدم بدنیا گذاشت، و در سال یکصد و هشتاد و هشت در بغداد از دنیا رفت، و عمرش شصت و چهار سال بود. اسحاق در سال یکصد و پنجاه متولد گردید، و در سال دویست و سی و پنج وفات یافت و هشتاد و پنج سال زندگانی کرد، و او اسحاق بن ابراهیم بن (ماهان بن) بهمن بن نسک است. نژادش از فارس بود، و برای بدهکاری مالیاتی که داشت از ستمگری بنی امیه از فارس گریخته و بکوفه آمد و بر بنی دارم وارد شد. اسحاق همیشه میگفت، میل ندارم پیش از ماه رمضان بمیرم، شاید موفق بروزه گرفتن شوم تا در ترازوی<sup>۱</sup> عملم گذاشته شود، و چند روزی از اول ماه رمضان را روزه داشت و برای هر روز که روزه نمیگرفت صد دینار صدقه میداد، در اواخر ماه رمضان بیماریش سخت تر شده و دیگر نتوانست روزه دار باشد. و بیماریش اسهال بود، و ادریس بن ابوحفصه این مرثیه را درباره او سرود:

سَقَى اللهُ يَا بْنَ الْمُوَصِّلِي بُوَابِلِ  
مَنْ الْغَيْثِ قَبْرًا أَنْتَ فِيهِ مُقِيمٌ<sup>۲</sup>  
ذَهَبَتْ وَأَوْحَشَتِ الْكِرَامَ وَرَعْتَهُمْ  
فَلَا غُرُوْا أَنْ يَبْكِيَ عَلَيْكَ صَمِيمٌ<sup>۳</sup>

اسحاق راویه شعر و مآثر عرب بود، و فصحاء زن و مرد عرب را دیده، و آنها هم هنگام آمدن پپای تخت بسوی او میامدند و براو وارد میشدند. در شعر و در آواز هنرمند و در علوم زیادی متفنن بود، و برای هنرمندی که داشت زندگانش از عطاهاى دولتیان میگذشت. و این است تألیفات او که خود مباشرت در تصنیف آنها نمود، بجز کتاب الاغانی الکبیر که مورد اختلاف بوده و ما آن را علیحده شرح خواهیم داد: کتاب اغانیه التی غنی بها. کتاب اخبار المیلاء. کتاب اغانی معبد. کتاب اخبار حماد عجرد. کتاب اخبار حنین الخیری. کتاب اخبار ذی الرمه. کتاب اخبار المغنین المکین<sup>۴</sup>. کتاب اخبار طویس. کتاب سعید بن مسجح. کتاب اخبار الدلال. کتاب اخبار محمد بن عایشه. کتاب اخبار الابخر<sup>۵</sup>. کتاب اخبار ابن صاحب الضوء<sup>۶</sup>. کتاب الاختیار من الاغانی للوائق. کتاب اللحظ والاشارات. کتاب الشراب - و در آن روایاتی از عباس بن معن، و ابن جصاص، و حماد بن میسر<sup>۷</sup> دارد.

۱- ف (فی مبراتی) جب (فی میزانی).

۲- خدا شاداب سازد - ای زاده موصلی - با بارانهای سیل آسایش آن قبری را که تو در آن میباشی.

۳- رفتی و بزرگان را بوحشت و هراس انداختی و شکفت آور نباشد اگر دوستان بر تو گریان باشند.

۴- ف (المسکین).

۵- ف (الابجر).

۶- ف (الضوء).

۷- (مسرة).

کتاب مواریث الحکماء . کتاب جواهر الکلام . کتاب الرقص والزفن . کتاب الندماء .  
کتاب المنادمات . کتاب النغم والایقاع و عدد مهاله . کتاب (اخبار) <sup>۱</sup> الهدلیین . کتاب قیان .  
الحجاز . کتاب الرسالة الی علی بن هشام . کتاب منادمة الاخوان و تسامر الخلان . کتاب القیان .  
کتاب النوادر المتخیره فی النوادر . کتاب الاخبار والنوادر <sup>۱</sup> . کتاب اخبار معبد و ابن سریح  
واغانیها . کتاب اخبار الفریض . کتاب تفضیل الشعر و الرد علی من یحرمه و ینقضه .

### (خبر) کتاب الاغانی الکبیر

بخط ابوالحسن علی بن محمد بن عبید بن زبیر کوفی اسدی خواندم ، که فضل بن محمد  
یزیدی گفت ، نزد اسحاق بن ابراهیم موصلی بودم ، شخصی براو درآمد و گفت یا ایامحمد ،  
کتاب الاغانی را بمن بده ، جوابش داد . آن کتاب الاغانی که من تصنیف کردم ، یا آن که  
برای من تصنیف کرده اند ، و مقصودش از - من تصنیف کردم - کتاب اخبار المغنین و احداً  
واحداً بود ، و از آنکه - برای تصنیف کردند - کتاب اخبار الاغانی الکبیر - بود که در دست  
مردم است .

### حکایت دیگر درباره آن

ابوالفرج اصفهانی برای من حکایت کرد ، که ابوبکر محمد بن خلف و کعب بمن گفت ،  
از حماد بن اسحاق شنیدم که میگفت پدرم هیچگاهی این کتاب - یعنی کتاب الاغانی الکبیر -  
را تألیف نکرده و ندیده است . دلیلش هم این است که بیشتر اشعار منسوب باشخاص که  
در ضمن اخبارشان گنجانده شده ، تاکنون کسی آوازی در آن نخوانده است <sup>۲</sup> ، و بیشتر  
چیزهایی که با آواز خوانها نسبت داده شده بخطا بوده ، و دلیل بطلان این کتاب همان تألیفی  
است که پدرم از آواز آنان کرده است . پدرم وراقی داشت که بعد از وفاتش این کتاب را  
جعل کرد ، بجز رخصت نامه که در اول آن است و تألیف پدرم میباشد . منتهی اخباری را  
که در آن آورده تماماً از ما روایت نموده است .

ابوالفرج بمن گفت این بود حکایتی که از ابوبکر و کعب شنیده و بخاطر سپرده بودم  
شاید در الفاظش پس و پیشی باشد . و جحظه بمن گفت وراقی که آن را جعل کرده است میباشد ،

۱- ف (الاختیار فی النوادر) .

۲- ف (و مایجی فیها) جب (وماغنی فیها) .



و نامش سندی بن علی ، و در طاق الزبل حجره داشت ، و برای اسحاق وراقی میکرد ، او با همبازش آن را جعل کرده اند . این کتاب در قدیم بکتاب السراه<sup>۱</sup> معروف بود . و در یازده جزء است که هر جزئی باولش نامیده شده و جزء اول رخصت نامه ایست که اسحاق تألیف کرده و خالی از شك و تردید است .

### ترتیب اجزاء کتاب که تا با امروز

#### روایت میشود

اولی آن :

عَلِقْتُ الْهَوَى مِنْهَا وَلِيداً وَلَمْ يَزَلْ  
أَلَى الْحَوْلِ يُنْمِي حُبَّهَا وَيَزِيدُ

دومی آن :

وَلَا أَحْمِلُ الْحَقْدَ الْقَدِيمَ عَلَيْهِمْ  
وَلَيْسَ رَأْسُ الْقَوْمِ مَنْ يَحْمِلُ الْحَقْدَ

سومی آن :

أَلِمَّ بِزَيْنِبِ أَنْ أَلْرَكَبَ قَدُودًا<sup>۲</sup>  
قَلَّ الْعَزَاءُ لَنْ كَانَ الرَّحِيلُ غَدَاً

چهارمی آن :

قَفَانِيبُكَ مِنْ ذِكْرِي حَبِيبٍ وَمَنْزِلِ  
بَسِطِ اللَّوَى بَيْنَ الدُّخُولِ فَحَوْمَلِ

پنجمی آن :

أَعَاذُ أَنْ الْمَالَ غَادٍ وَرَائِحِ  
وَيَبْقَى مِنَ الْمَالِ الْأَحَادِيثُ وَالذِّكْرُ

ششمی آن :

عُوجِي عَلَيْنَا رَبَّةَ الْهُودِجِ  
إِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلِي تَحْرَجِي

هفتمی آن :

يَا بِنْتَ عَاتِكَةِ الَّتِي<sup>۳</sup> أَنْزَلُ  
حَذَرَ الْعِدَى وَبِهِ الْفُؤَادِ مُوَكَّلِ

هشتمی آن :

هَاجَ الْهَوَى لِفُؤَادِكَ الْمَهْتَاجِ  
فَانظُرْ بِتَوْضُحِ بَاكِرِ الْأَحْدَاجِ<sup>۴</sup>

۱- ف (الشركة) . ۲- جب (قدوا) . ۳- ف (عاقله الذی) .

۴- ضرورتی برای ترجمه این اشعار دیده نشد .

نهمی آن :

فَأَنَّكَ كَاللَّيْلِ الَّذِي هُوَ مَدْرُكِي      وَ أَنَّ خَلَّتْ أَنَّ الْمُنتَأَى عَنْكَ وَأَسْع

دهمی آن :

أَإِذَا أَذْنِبْتَ . . . . . زَارَهَا<sup>۱</sup>      أَهْلَهَا<sup>۲</sup>

اسحاق درباره گروهی از شاعران تألیفاتی دارد که از آن جمله است : کتاب اخبار حسان . کتاب اخبار ذی الرمة . کتاب اخبار الاحوص . کتاب اخبار جمیل . کتاب اخبار کثیر . کتاب اخبار نصیب . کتاب اخبار عقیل بن علقمة . کتاب اخبار این هرمة .

### حماد بن اسحاق .

صولی گوید : حماد ادیب و راویه بود ، و در بسیاری از مجالس در آواز خوانی پدرش حضور داشته و بزرگان مشایخ پدرش را دیده ، و از ابو عبیده ، و اصمعی شنیده بود . در ادب کتابهای زیادی تألیف کرد ، و بیشترین معلومات پدرش را فرا گرفته بود . دیگری - غیر از صولی گوید : حماد ملقب بسرد بود ، و یحیی بن علی گفته است از پدرم پرسیدم که چرا حماد را سردمینامند ، جواب داد ، ای پسر ، باو ستم کردند ، او در مجالسی که پدرش داشت حاضر میشد . و اسحاق در ظرافت و تندمزاجی مانند آتش شعله ور بود . وفات حماد در . . . و این کتابها از اوست : کتاب الاشریه . کتاب اخبار الحطیئة . کتاب اخبار ذی الرمة . کتاب اخبار عروة بن اذینه . کتاب مختار غنا ابراهیم - پدر بزرگش . کتاب اخبار رؤبه . کتاب اخبار عبیدالله بن قیس الرقیات . کتاب اخبار الندامی .

### اخبار خاندان منجم از روی ترتیب

ابومنصور نامش آبان حسیس بن ورید بن کاد بن مهابنداد بن حسیس<sup>۳</sup> بن فرخ داد بن استاد (زیار بن) مهر حسیس بن یزدجرد است . و فرزندش یحیی برده مأمون ، و مکنی بابوعلی بوده ، و در ابتداء بفضل بن سهل بستگی داشت ، و او در احکام نجوم برآی و نظرش عمل میکرد و پس از پیش آمدی که برای فضل رخ داد<sup>۴</sup> . مأمون او را برای خود برگزید ، و باسلام آوردن ترغیب نمود ، و او نیز بردست مأمون اسلام آورده و ویژه او گردید . و در سفر بطرسوس<sup>۵</sup>

۱- ف (دارها) . ۲- ضرورتی برای ترجمه این اشعار دیده نمیشود .

۳- ف (حساس) . ۴- ظاهراً اشاره بکشته شدن فضل بن سهل در حمام بامر

مأمون است (ر.ک. قاموس الاعلام ترکی) . ۵- طرسوس شهر است در مرز شام میان انطاکیه و حلب (معجم البلدان) .

وفات یافته و در حلب در گورستان قریش بخاک سپرده شده ، و سنگ قبری هم دارد که نامش بر آن نوشته شده است . فرزندان او عبارتند از : محمد ، علی ، سعید ، و حسن . محمد ادب و بلاغتی نیکو ، و فصاحت زبان داشت و کتابهایی تألیف کرد ، و اخبار او مشهور است ، و از جمله کتابهای او . کتاب اخبارالشعر است . و در آواز و نجوم نیز با اطلاع بود . علی بن یحیی ، بمحمد بن اسحق بن ابراهیم مصعبی پیوست ، بعد بفتح بن خاقان پیوستگی پیدا کرد ، و خزانه حکمتی برای او ترتیب داده ، و از کتابهای خود و کتابهاییکه برای فتح نوشت ، آن قدر در آنجا جمع نمود که هیچ خزانه حکمتی آن مقدار کتاب نداشت . و در روزهای آخر دوران معتمد ، وفات یافته ، و در سرمن رای<sup>۱</sup> بخاک سپرده شد . فرزندان او عبارتند از : احمد ابو عیسی ، عبدالله ابوالقاسم ، یحیی ابواحمد ، هارون ابو عبدالله . و هارون کتابهای زیادی تألیف کرده است .

### حکایتی دیگر از این خاندان

ابوالحسن علی بن یحیی بن ابومنصور منجم ، ندیم متوکل ، و نزدیکتر از هر کسی باو ، و از خاصان او بود . و در نزد خلفائیکه بعد از متوکل آمدند ، تا دوران معتمد ، همین مرتبت را داشت ، راویه اشعار ، و اخبار ، و شاعر خوبی بود ، اسحاق را دیده ، و از او آموخته و برای هنرمندیش خلفا ویرا بر همه مقدم میداشتند ، و در مجالس خانوادگی خود او را شرکت میدادند ، و همه رازهای درونی خود را پیش او فاش کرده ، و او را امین اسرار خود میدانستند . وفاتش در سال (دویست و) هفتاد و پنج . و این کتابها از اوست : کتاب (الشعرو) الشعراء القدماء والاسلامین<sup>۲</sup> - و در آن ، از محمد بن سلام ، و محمد بن عمر جرجانی ، و دیگران روایت کرده است . کتاب اخبار اسحاق بن ابراهیم . کتاب الطبیخ .

### فرزندش ابواحمد

یحیی بن علی بن یحیی بن ابومنصور ، در سال دویست و چهل یک بدنیا آمده و در شب دوشنبه سیزدهم ربیع الاول سال سیصد در گذشت . و ندیم موفق و خلفاء بعد از او بود ، و از متکلمان مذهب معتزله بشمار میرفت . و در این باره کتابهای زیادی دارد . در بغداد مجلسی داشت که گروه متکلمان در آن حاضر میشدند . از کتابهای اوست : کتاب الباهر فی اخبار (واشعار) شعراء مخضرمی الدولتین . باین ترتیب : بشار ، هرهه ، طریح ابن میاده ، مسلم ، اسحاق بن ابراهیم ، ابن هفان ، و یزید بن طثریه . و آخرین نفر مروان ابو حفصه است و آنرا

۲- ف (الاسلامیة) .

۱- رجوع شود بصفحه ۷۵ همین کتاب .

پایان نرسانید و فرزندش ابوالحسن تصمیم گرفت آنرا پایان رساند ، و شاعرانی که بعد پیدا شده بودند بر کتاب پدر خود بیفزاید ، و ابودلامه ، والبه حباب ، یحیی بن زیاد ، مطیع بن ایاس ، و ابوعلی نصیر را ، بر آن افزود .

ابوالحسن ، متکلم و فقیه بمذهب ابوجعفر ( طبری بود ، من بخط او چند قطعه از کتابهای ابوجعفر را ) در فقه ( دیده ام ) . و ابوالحسن کتابهای دیگر - جز آنچه در بالا گفتیم - دارد و از آن جمله است : کتاب اخبار اهل و نسبهم فی الفرس . کتاب الاجماع فی الفقه علی مذهب الطبری . کتاب المدخل الی مذهب الطبری و نصره مذهب . کتاب الاوقات .

### ابوعبدالله هارون

بن علی بن یحیی بن ابومنصور . در جوانی بسال دویست و هشتاد و هشت وفات یافت . و این کتابها از اوست : کتاب البارع - و آن منتخباتی از شعر ( شعراء ) جدید است بدون شرح حال آنان . کتاب اخبار الشعراء الکبیر که ناتمام مانده و آنچه بدست آمد ، بشار ، ابو عتاهیه ، و ابونواس ، است . کتاب النساء و ماجاء فیهن من الخبر و محاسن ما قبل فیهن من الشعر و الکلام الحسن .

### ابوالحسن علی بن هارون

بن علی بن یحیی . او را دیدیم و از او چیزهایی شنیده داریم . راویه ( شعر ) و شاعر و ادیبی ظریف ، و متکلم نیکوکاری<sup>۲</sup> بود . و ندیمی گروهی از خلفاء را پیدا کرد . خود او بمن گفت در سال هفتاد و هفت بدنیا آمده است . و تا سال سیصد و پنجاه و دو که وفات یافت خضاب میبست . و هفتاد و شش سال عمر کرد . این کتابها از اوست : کتاب شهر رمضان - برای راضی تألیف کرد . کتاب النوروز و المهرجان . کتاب الرد علی الخلیل فی العروض . کتاب رسالته فی الفرق بین ابراهیم بن المهدی و اسحاق الموصلی فی الغناء . کتاب ابتداء فیه بنسب اهل - برای مهلبی تألیف کرده و پایان نرسانید . کتاب اللفظ المحیط بنقض ما - لفظ به اللقیط که معارضه ایست با کتاب ابوالفرج اصفهانی . کتاب الفرق و المعیار بین الاوغاد و الاحرار .

### ابوعیسی

احمد بن علی بن یحیی ، از فضلاء این خاندان و پیش از علی بن هارون بود . و این کتاب از

۱- ف ( اختیار ) .

۲- ف ( حبرا ) جب ( خیرا ) .

اوست : کتاب تاریخ سنی العالم .

### ابو عبدالله هارون

بن علی بن هارون . روش خاندان و پدران خود را داشت . و شاعر و ادیب و عارف بغناء و آواز بوده ، و در کلام هنرمندی و برجستگی داشت . ولادتش در سال ... و وفاتش در سال ... بود . و کتاب مختار فی الاغانی - از اوست .

### خاندان حمدون

حمدون بن اسماعیل بن داود کاتب ، اول نفر این خاندان است که ندیمی داشت . و فرزندش احمد بن حمدون راویه و اخباری بود ، و از عدوی روایت کرده است . از کتابهای اوست : کتاب الندماء و الجلساء .

### ابوهفان مهرمی

ذکر او در شاعران جدید خواهد آمد . از اخباریان ، و راویان ، و صاحب تصنیف بود . این کتابها از اوست : کتاب الاربعة فی اخبار الشعراء . کتاب صناعة الشعر . کتاب بزرگیت که پاره از آن را دیده ام .

### یونس کاتب

معروف بیونس مغنی . فرزند سلیمان . مکنی بابوسلیمان ، از مردم فارس است که دوره عباسیان را هم درك کرد . سکری مینویسد وی از بردگان ، و برده زبیر بن عوام بود . کتابهای او در اغانی و مغنیان مشهور است ، و گویند ابراهیم از او آموخته بود . این کتابها از اوست : کتاب مجرد یونس . کتاب القیان . کتاب النغم .

### ابن بانه

نامش عمرو بن بانه<sup>۱</sup> و بانه مادر او ، و پدرش محمد بن سلیمان بن راشد ، برده یوسف بن عمر ثقفی است . بانه دختر روح . کاتب سلمه وصیف بود ، و کتاب مجرد عمرو بن بانه<sup>۲</sup> از

۱ - ف ( عمرو و بانه امه ) جب ( عمرو بن بانه وهی امه ) .

۲ - ( مجرد الاغانی ) .

اوست . وی از خاصان متوکل و با او مانوس بود . از اسحان و دیگران صنعت آواز را آموخته و در آن هنرمندی داشته ، و تا دوران معتصم زنده بود . در بغداد اقامت داشت ، و گاه بگناه بصره میرفت ، و در سال دو بیست و هفتاد و هشت وفات یافت .

### صینی<sup>۲</sup>

نامش حبیب<sup>۳</sup> بن موسی ، و صاحب - کتاب الاغانی علی حروف المعجم - است . این کتاب را برای متوکل تألیف نموده ، و در آن چیزهایی از آوازه آورده که نه اسحاق و نه عمرو بن بانه ، از آن ذکری نکرده اند و نام مغنیان زن و مردی را از دوره جاهلیت و اسلام ذکر کرده که شگفت انگیز است . و کتاب الاغانی علی الحروف . و کتاب مجردات المغنیین . از اوست .

### ابوحشیشه

نامش محمد بن علی بن امیه ، مکنی بابو جعفر ، از فرزندان ابو امیه کاتب ، و از طبوریان ماهری در فن خود بود ، و جحظه عقیده داشت که وی این هنر را از او آموخته است . وفاتش در ... و این کتابها از اوست : کتاب المغنی المجید - که آنرا بخطی کهنه دیده ام . کتاب اخبار الطنبوریین .

### جحظه

ابوالحسن احمد بن جعفر بن موسی بن خالد بن برمک ، شاعر و آوازخوانی است که اشعار دل نشینی دارد . و در هنر طنبور حاذق ، و ادبیاتش نیکو ، و ماهر بتمام معنا بود . علما و راویان را دیده و از آنان آموخته ، و اخبار او مشهورتر از آن است که ما بخواهیم در اینجا ذکر کنیم ، برای آنکه در زمان ما حیات دارد . و با این اوصافی که درباره او گفتیم مردی بدسرشت و چرکین است در دینش پاره چیزها ، بلکه خیلی چیزها گفته میشود . ابوالفتح بن نحوی این اشعار جحظه را بر من خواند .

إِذَا مَا ظَمَيْتُ إِلَى رَيْقِهِ      جَعَلْتُ الْمَدَامَةَ مِنْهَا بَدِيلًا<sup>۴</sup>

وَ أَيْنَ الْمَدَامَةَ مِنْ رَيْقِهِ      وَلَكِنْ أُعَلِّلُ قَلْبًا عَلَيْهِ<sup>۵</sup>

۱ - رجوع شود بصفحه ۷۵ همین کتاب . ۲ - ف (النصبی) . ۳ - ف (حسن) .

۴ - اگر تشنه گردم بآب دهانش - بدل گیرم از باده ناب آنرا .

۵ - کجا باده ناب و آب دهانش - تسلادهم این دل ناتوان را .

جحظه در واسط<sup>۱</sup> هنگامیکه نزد ابوبکر بن رائق میرفت ، در سال سیصد و بیست و شش به بیماری ورب<sup>۲</sup> در گذشت . و این کتابها از اوست : کتاب الطبیخ - نازک است . کتاب الطنبوریین . کتاب السکباج . کتاب الترتم<sup>۳</sup> . کتاب ماشاهده من امر المعتمد . کتاب المشاهدات . کتاب ما جمعه مما خزنه<sup>۴</sup> المنجمون فصح من الاحکام .

بعد از این اخبار ، اخبار قریص مغنی است که پس از هفده ورق خواهد آمد ، و ترتیبی

است که مؤلف داده .

### برگردیم بمصنفان مشهور

محمد بن اسحاق گوید : اگر از مصنفان مشهور کسی را ذکر کردیم ، بدنبال او کسی را نیز خواهیم آورد که نزدیک و همانند او باشد ، گوآنکه زمان او عقب تر از آن کسی باشد که بعد ذکر گردیده ، و این رویه را ما در تمام این کتاب اتخاذ کرده ایم . خداوند بفضل و کرمش ما را مددکار باشد .

### اخبار ابن ابوطاهر

ابوالفضل احمد بن ابوطاهر ، و نام ابوطاهر ، طیفور است . احمد از زادگان خراسان و فرزندان دولتیان بود ، که در بغداد متولد گردید . جعفر بن حمدان صاحب کتاب الباهر گوید : او ادب آموز کاتبان همگانی بود ، سپس برای تخصصی که پیدا کرد ، در جانب شرقی سوق الوراقین<sup>۵</sup> جائی برای خود داشت . و من در میان تمام کسانی که بتألیف و گفتن شعر شهرت دارند ، کسی را ندیدم که کلمات را باندازه او تصحیف کند . و کند فهمی او را در علم داشته

۱- واسط شهرست میان بصره و کوفه که فاصله آن بهر يك از این دو شهر پنجاه فرسنگ است (معجم البلدان) . ۲- ف (الدرب) جب (الورب) و ورب بیماری فساد روده است (المنجد) . ۳- ف (الندیم) . ۴- ف (جریه) .

۵- سوق الوراقین در بغداد میان طاق الحرانی و قنطرة الجدیدة و محل ناشران و کتابفروشان و بیش از صد دکان در آنجا بود (ر.ک. دلیل خارطة بغداد ص ۸۶) .

باشد ، و بخلط کلمات را ادا نماید . شعری را که برای اسحاق بن ایوب گفته بود برای من خواند و بیش از ده جا غلط داشت . و دزدی او از نصف و یا ثلث شعر ، بیش از هر کسی بود . ولی با تمام اینها اخلاقش پسندیده ، و از کاهلان<sup>۱</sup> خوش مشرب و شیرین گفتار بشمار میرفت . ولادتش در سال دوست و چهار . در همان روزی بود که مأمون از خراسان ببغداد آمد . و وفاتش در سال دوست و هشتاد بود ، این کتابها از اوست ؛ کتاب المنثور والمنظوم . این کتاب را در چهارده جزء در آورده ، ولی سیزده جزء در دست مردم است : کتاب سرقات الشعراء . کتاب بغداد . کتاب الجواهر . کتاب المؤلفین . کتاب الهدایا . کتاب المشتق المختلف من المؤلف . کتاب اسماء الشعراء الاوائل . کتاب القاب الشعراء و من عرف بالکنی و من عرف باسم<sup>۲</sup> . کتاب المعروفین من الانبیاء . کتاب الموشا . کتاب اعتذار وهب من حنفته<sup>۳</sup> ( کتاب المغرمین . کتاب المونس . کتاب الحلی والحلل ) . کتاب من انشد شعراً و اجیب بکلام . کتاب مرتبة هر مز بن کسری نوشیروان . کتاب خیر الملك العانی<sup>۴</sup> فی تدبیر المملكة و ( فی ) - السياسة . کتاب الملك المصلح والوزیر المعین . کتاب الملك البابی و الملك المصری الباغیین و الملك الحلیم الرومی<sup>۵</sup> . کتاب العلة والعلیل<sup>۶</sup> . کتاب المزاج والمعاتبات . کتاب المعتذرین . کتاب مفاخرة الورد والفرجس . کتاب الحجاب . کتاب مقاتل الفرسان . کتاب مقاتل الشعراء . کتاب الخیل . بزرگ است<sup>۷</sup> . کتاب الطرد . کتاب سرقات النحویین من ابی تمام . کتاب جمهرة ( نسب ) بنی هاشم . کتاب رسالته الی ابراهیم بن المدبر<sup>۸</sup> کتاب رسالته فی النهی عن الشهوات . کتاب رسالته الی علی بن یحیی . کتاب الجامع فی الشعراء و اخبار هم . کتاب فضل العرب علی العجم . کتاب لسان العیون . کتاب اخبار المتطرفات<sup>۹</sup> . و گویند فرزند او ابو الحسن این دو کتاب را تألیف کرده است .

### کتابهای او در منتخبات اشعار شاعران

اختیار شعر بکر بن النطاح . اختیار شعر دعبل بن علی . اختیار شعر مسلم . اختیار

- ۱- ف ( الکهوب ) جب ( الکهول ) و کاهل بکسانی گویند که میان سی و پنجاه سال باشند ( المنجد ) .
- ۲- جب ( باسمه ) .
- ۳- ف ( حبقته ) .
- ۴- ف ( خیر الملك العالی ) .
- ۵- ف ( الحکیم الرومی ) .
- ۶- جب ( والغلیل ) .
- ۷- ف ( الکبیر ) جب ( کبیر ) .
- ۸- ف ( الولید ) .
- ۹- ف ( المتطرفات ) .



شعر العتابی . اختیار شعر ابی منصور النمری . اختیار شعر ابی العتاهیه . کتاب اخبار<sup>۱</sup> بشار و الاختیار من شعره . کتاب اخبار<sup>۲</sup> مروان و الاختیار من شعره و اخبار آل مروان . کتاب اخبار ابن میاده . کتاب اخبار ابن هرمه و مختار شعره . کتاب اخبار ابن الدمینہ . کتاب اختیار شعر عبدالله بن قیس الرقیات .

### فرزند او عبیدالله

بن احمد بن ابوطاهر ، مکنی بابوالحسین ، رویه پدر را در تألیف و تصنیف داشت . و روایتش از روایات او کمتر است . و احمد حاذقتر و ماهرتر از پدرش بود . و بر کتاب بغداد تألیف پدرش ، این کتابها را افزود ، چون پدرش آنرا تا آخر دوران مهتدی نوشته بود . و ابوالحسین ، اخبار معتمد ، اخبار معتضد ، اخبار مکتفی ، و اخبار مقتدر را - که ناتمام مانده - بر آن افزود . و این کتابها را نیز داشت : کتاب السکباج و فضائلها . کتاب المتطرفات و المتطرفین<sup>۳</sup> .

### خاندان ابونجم

نام ابونجم هلال ، از مردم انبار<sup>۴</sup> و کاتب بود . فرزندش صالح بن ابونجم از مردم بغداد ، و خود ابونجم برده بنی سلیم بود . احمد بن ابونجم از شاعران و کنیه اش ابودمیک<sup>۵</sup> است . گویند ، این گفته خود :

كَأَنَّهُ فِي الْفَلَكَ الدَّوَّارِ صَوْتُ الْمُؤَذِّنِ<sup>۶</sup>

را که برای ابوشیعی خواند ، ابوشیعی گفت : خدا شما گروه بنی سلیم را از میان بردارد خنساء میگوید :

كَأَنَّهُ عِلْمٌ فِي رَأْسِهِ نَارٌ<sup>۷</sup>

و توهم این را میگوئی . پسر برادرشان احمد بن منجم کاتب ، از مترسلان ، و متکلمان و شاعران بود ، و این کتابها از اوست : کتاب التوحید و اقاویل الفلاسفة (فی ذلك) . کتاب

۱- ف (اختیار) . ۲- ف (اختیار) .  
 ۳- ف ( المتطرفات و المتطرفین ) . ۴- رجوع شود بصفحه ۸ همین کتاب .  
 ۵- ف (ابوالمیل) . ۶- در این فلك گردان چون بانگ اذان باشد .  
 ۷- چون در فشی است بسرشعله آتش دارد .

النواحی فی اخبار الارض . و گویند این کتاب از تألیفات ابو اسحاق ابراهیم بن ابوعون است .

### ابو اسحاق بن ابوعون

ابو اسحاق ابراهیم بن ابوعون احمد بن منجم ، از اصحاب ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی معروف بابن ابوعزاقر ، و مورد اعتماد او بود ، چون نسبت باو غلوی داشت ، و او را خدای خود میدانست . تعالی الله عن ذلك . هنگامیکه ابن ابوعزاقر را دستگیر کردند ، او نیز دستگیر ، و پس از چندی گردنش را زدند ، زیرا از وی خواستند که با ابوعزاقر ناسزا گوید ، و خیو براو اندازد ، وی از ترس و شقاوتی که داشت امتناع کرده و بلرزه افتاد . ابو اسحاق ، ادیب و مؤلف و ناقص العقل بود ، و ما خبر او را در ضمن خبر عزاقری ذکر خواهیم کرد . و این کتابها از اوست : کتاب النواحی فی اخبار البلدان . کتاب الجوابات المسکته . کتاب التشبیهات . کتاب بیت مال السرور . کتاب الدواوین . کتاب الرسائل .

### اخبار ابن ازهر .

ابو بکر محمد بن احمد بن مزید نجوی اخباری بوسنجی ، نژادش از بوسنج<sup>۱</sup> و هنگامیکه وفات یافت بسیار سالخورده بود . بخط عبدالله بن علی بن محمد بن داود بن جراح ، معروف بابن عرمم ، خواندم که در سال سیصد و سیزده از ابن ازهر پرسیدند چند سال داری ، گفت هشتاد سال<sup>۲</sup> و سه ماه از عمرم سپری شده . و بعد از آن هم مدتی در حیات بود . این کتابها از اوست : کتاب الهرج والمرج فی اخبار المستعین والمعزز . کتاب اخبار العقلاء - المجانین . کتاب اخبار قدماء البلغاء .

### ابو ایوب مدینی

نامش سلیمان بن ایوب بن محمد ، از مردم مدینه ، از ادیبان ظریف ، و عارف بغنا و آواز ، و آوازخوانان بود ، و در این زمینه کتابهایی تألیف کرد ، که از آن جمله است : کتاب اخبار عزة المیلاء . کتاب ابن مسجح . کتاب قیان الحجاز . کتاب قیان مکه . کتاب الاتفاق<sup>۳</sup> . کتاب طبقات المغنین . کتاب النغم والایقاع . کتاب المنادمین . کتاب اخبار ظرفاء المدینه . کتاب ابن ابی عتیق . کتاب اخبار ابن عایشه . کتاب اخبار حنین الحیری<sup>۴</sup> . کتاب ابن سریح .

۱ - بوسنج از دهات ترمذ است (معجم البلدان) .

۲ - ف (سی سال) . ۳ - ف (الاتفاق) . ۴ - ف (الحری) .

کتاب الغریض .

### تغلبی

نامش محمد بن حارث ، و در دستگناه فتح بن خاقان بود . این کتابها از اوست :  
کتاب اخلاق الملوك (برای فتح بن خاقان تألیف کرد) . کتاب رسائله . کتاب الروضه .

### ابن حرون

نامش محمد بن احمد بن حسن<sup>۱</sup> بن اصبع بن حرون ، تألیفات و تصنیفاتش خوب و ادب  
نیکوئی داشته ، و از مردم بغداد ، و دودمان نویسندگان بود . این کتابها از اوست :  
کتاب المطابق و المجانس . کتاب الحقایق - بزرگ است . کتاب الشعر والشعراء . کتاب  
الاداب . کیاب الریاض . کتاب الکتاب . کتاب المحاسن . کتاب مجالسة الرؤساء .

### ابن خردادبه<sup>۲</sup>

(باید بر این عماره مقدم آورده شود)

ابوالقاسم عبیدالله بن احمد بن خردادبه ، و خردادبه گبری بود که بردست برمکیان  
اسلام آورده و اداره نامه رسانی و خبر در نواحی جبل<sup>۳</sup> با او بود . و ندیم معتمد و ویژه او  
گردید . این کتابها از اوست : کتاب المسالك والممالك . کتاب الطبیخ . کتاب ادب السماع .  
کتاب جمهرة انساب الفرس والنوافل . کتاب اللهو والملاهی . کتاب الشراب . کتاب الانواء .  
کتاب الندماء والجلساء .

### ابن عمار<sup>۴</sup> ثقفی

ابوالعباس احمد بن عبیدالله بن محمد بن عمار<sup>۴</sup> ثقفی کاتب ، و کالت کارهای قاسم بن  
عبیدالله ، و فرزندانش با او بوده ، و با ابوعبدالله محمد بن (داود بن) جراح مصاحبت داشته ،  
و از وی روایت میکرد . مجالس و اخباری دارد . و در سال سیصد و نوزده وفات یافته . و  
این کتابها از اوست . کتاب المبیضة فی اخبار آل ابيطالب . کتاب الانواء . کتاب مثالبا بی نواس<sup>۵</sup> .

۱- ف (الحسین) . ۲- بدستور مؤلف ما او را پیش از ابن عماره آوردیم .

۳- رجوع شود بصفحه ۷۴ همین کتاب . ۴- ف (عماد) .

۵- ف (ابی خراش) .

کتاب اخبار سلیمان بن ابی شیخ . کتاب الزیادات فی اخبار الوزراء . کتاب حجر بن عدی . کتاب رسالته فی بنی امیه . کتاب اخبار ابی نواس . کتاب اخبار ابن الرومی والاختیار<sup>۱</sup> من شعره . کتاب رسالته فی تفضیل بنی هاشم و اولیائهم و ذم بنی امیه و اتباعهم . کتاب المناقضات . کتاب رسالته فی امر ابن المحرر المحدث . کتاب اخبار ابی العتاهیه . کتاب اخبار عبدالله بن معاویة بن جعفر . ( کتاب رسالته فی مثالب معاویة ) .

### سرخسی

ابوالفرج احمد بن طیب سرخسی<sup>۲</sup> ، ادیبی بلیغ ، و روایت بسیاری دارد . و این کتابها از اوست : کتاب السياسة . کتاب المسالك و الممالك . کتاب ادب الملوك . کتاب الدلالة علی اسرار الغناء .

### جعفر بن حمدان موصلی

ابوالقاسم جعفر بن حمدان موصلی ، فقیه و صاحب تألیفات و تصنیفات خوبی است فقاهتش بر مذهب شافعی و از شاعران و ادیبانی بود که در نقد شعر توانائی داشت و روایات بسیاری دارد . در فقه نیز کتابهایی دارد که ضمن شرح حال فقهاء بآن اشاره خواهیم کرد . و کتابهای ادبی او بدینقرار است : کتاب الباهر فی الاختیار من اشعار المحدثین ( و بعض- القدمات و السرقات ) . کتاب الشعر و الشعراء الکبیر - ناتمام . کتاب السرقات - ناتمام ، و اگر آن را بیایان میرسانید مردم را بی نیاز از کتابهایی در این معنا میداشت . کتاب محاسن اشعار المحدثین - نازکست .

### ابوضیاء نصیبی

ابوضیاء بشر بن یحیی بن قتیبی<sup>۳</sup> نصیبی از مردم نصیبین<sup>۴</sup> و از شاعرانی است که شعرش کم ، و ادبش فراوان بود . این کتابها از اوست : کتاب سرقات البحتری من ابی تمام . کتاب الجواهر . کتاب الاداب . کتاب السرقات الکبیر - ناتمام .

۱- ف (والاختیارات) .  
 ۲- سرخس بفتح اول و سکون دوم از شهرهای قدیم خراسان است و در میان نیشابور و مرو قرار دارد (معجم البلدان) .  
 ۳- ف (القینی) .  
 ۴- نصیبین از شهرهای آباد و در راه قافله میان موصل و شام قرار دارد (معجم البلدان) .

### ابن ابومنصور موصلی

یحیی بن ابومنصور ، خانواده اش در موصل زیاد هستند ، و کتابهایش در دسترس همه بوده ، و ادب بسیار خوبی داشت . و این کتابها از اوست : کتاب الاغابی - که بترتیب حروف ، آنرا تألیف کرد . کتاب المعارض . کتاب العود والملاهی . کتاب الطبیخ - نازک است .

### ابن مرزبان

ابوعبدالله محمد بن خلف بن مرزبان ، طریقه<sup>۱</sup> احمد بن طاهر را پیروی میکرد . و اخبار و اشعار . و چیزهای نمکینی در حفظ داشت . این کتابها از اوست : کتاب الحاوی فی علوم القرآن - کتاب بزرگ است در هفده جزء . کتاب اخبار ابی قیس الرقیات و مختار شعره . کتاب المتمرین . ( کتاب ) المعصومین . کتاب الشراب - مشتمل بر چندین کتاب . کتاب - المتباعدین<sup>۲</sup> . کتاب الروض (والزهر) . کتاب الجلساء والندماء . کتاب السودان و فضلهم علی البیضان . کتاب القاب الشعراء . کتاب الشعر و الشعراء . کتاب الهدایا . کتاب الشتاء و الصیف . کتاب النساء والغزل . کتاب اخبار عبدالله بن جعفر بن ابیطالب ، رضی الله عنهم . کتاب ذم الحجاب والعتب علی المحتجب . کتاب ذم الثقلاء . کتاب اخبار العرجی .

### کسروی .

معروف بعلی بن مهدی . کنیه اش ابوالحسین ، آموزگاری ادیب ، با محفوظات و معرفت ، بویژه بکتاب العین بود ، در ابتدا ادب آموز فرزندان هارون بن علی ( بن یحیی ) ندیم گردید و سپس با بونجم بدر معتضدی پیوست . و از کتابهای اوست : کتاب الخصال . کتاب مناقضات من زعمانه لاینبغی ان یقتدی القضاة فی مطاعمهم بالائمة والخلفاء . و این کتاب بکسروی کاتب ، نسبت داده شده است . کتاب الاعیاد والنواریز . کتاب مراسلات الاخوان و محاببات الخلان .

### ابن بسام شاعر

علی بن محمد بن نصر بن منصور بن بسام ، و مادرش امامه دختر حمدون ندیم - از یک پدر و مادر است و از شاعران و ادیبان و نویسندگان ظریفی بوده ، و از زبانش کسی سلامت در نمرفت ، وفاتش در ... و این کتابها از اوست : کتاب اخبار عمر بن ابی ربیع - که بلیغ تر

۱ - ف (طریقه) جب (طریقه) .

۲ - (المساءدین) .

از آن کتابی در این معنا ندیده‌ام . کتاب الزنجیین و هم المعاقرون . کتاب دیوان رسائله .

کتاب مناقضات الشعراء . کتاب اخبار الاحوص .

### مروزی

نامش جعفر بن احمد مروزی ، کنیه اش ابوالعباس ، یکی از مؤلفان کتاب ، در سایر علوم بود ، و کتابهایش خواهان بسیاری داشت . و اول کسی است که در مسالك و ممالك کتابی تألیف کرد ، ولی با تمام نرسانده و در اهواز وفات یافته ، و جنازه او را ببغداد آوردند ، و کتابهایش در سال دوست و هفتاد و چهار در طاق الحیرانی<sup>۱</sup> بفروش رفت . و این کتابها از اوست : کتاب المسالك و الممالك . کتاب الاداب الکبیر . کتاب الاداب الصغیر . کتاب تاریخ (آی) القرآن لتأیید کتب السلطان . کتاب البلاغة والخطابه . کتاب الناجم .

### صولی

ابوبکر محمد بن یحیی بن عباس صولی . از ادیبان ظریف و علاقمند بجمع آوری کتاب بود . در ابتدا آموزگار ، راضی و سپس ندیم او گردید ، و پس از آن ، ندیمی مکتفی و مقتدر را نیز در یک وقت و زمان داشته و کارهایش روشنتر و مشهورتر ، و زمانش نزدیکتر از آن است که مادر باره او تحقیقاتی نمائیم . در بازی شطرنج در زمان خود ماهرتر از هر کسی بوده و جوانمردی داشت . و تا سال سیصدوسی در قید حیاة بود ، و در بصره در پنهانی وفات یافت ، زیرا در باره علی علیه السلام خبری روایت کرد که سنی و شیعه در جستجوی او برای کشتنش درآمدند . این کتابها از اوست : کتاب الاوراق فی اخبار الخلفاء و الشعراء . ناتمام است ، و آنچه از آن بدست آمده ، اخبار تمام خلفاء ، و اشعار فرزندان خلفاء و پدرانشان<sup>۲</sup> از سفاح تا دوران ابن معتر . اشعار بازماندگان بنی عباس که نه خلیفه و نه از تبار خلیفه بودند و اول آن : شعر عبدالله بن علی ، و آخرش شعر ابو احمد محمد بن احمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن عیسی بن منصور است ، پس از آن ؛ اشعار طالبیان فرزندان حسن و حسین ، و فرزندان عباس بن علی ، و فرزندان عمر بن علی ، و فرزندان جعفر بن ابوطالب ، و اشعار فرزندان حارث بن عبدالمطلب است . و بدنبال اینها اخبار ابن هرمة و منتخبات شعر او ، اخبار سید حمیری و منتخبات شعر او ، و اخبار احمد بن یوسف و منتخبات شعر او ، (و اخبار اسحاق بن ابراهیم و منتخبات شعر او) ، و اخبار سدید و منتخبات شعر او را آورده ،

۱- طاق الحیرانی - از محلات بغداد است (ر.ک. دلیل خارطة بغداد ص ۸۸) .

۲- ف (وایامهم) جب (وآبائهم) .

و در تألیف ، این کتاب بکتاب مرثدی<sup>۱</sup> در شعر و شاعران تکیه داشته ، و بلکه آنرا عیناً نقل کرده و بخود بسته است . و من دستور آن مرد را که از مخزن صولی (درآمد) دیدم و همان سبب رسوائیش گردید . و جز آن کتاب ، این کتابها نیز از اوست : کتاب الوزراء . کتاب العباده . کتاب ادب الکتاب<sup>۲</sup> علی الحقیقه . کتاب تفضیل السنان - برای ابوالحسن علی بن فرات تألیف کرد . (کتاب الشبان) . کتاب الانواع - ناتمام . کتاب سئوال وجواب رمضان لابی النجم . کتاب رمضان . کتاب الشامل فی علم القرآن - ناتمام . و علماء در این کتاب نوادری دارند که ذکرش در اینجا بيمورد است . کتاب مناقب علی بن (محمد بن) فرات . کتاب اخبار ابی تمام . کتاب اخبار الجبائی ابی سعید . کتاب العباس بن احنف و مختار شعره . (رسالته فی السعاه) . کتاب اخبار ابی عمرو بن العلاء . کتاب الفرر امالی .

ابوبکر این تصنیفات را در باره شعر از شاعران تازه کار و بترتیب حروف معجم داشت ، ابن رومی ، ابوتمام ، بحتری ، ابونواص ، عباس بن احنف ، علی بن جهم ، ابن طبا . ابراهیم بن عباس (صولی) . ابن عیینه . ابن شراعه ، صولی . ابن رومی .

### حکیمی

ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابراهیم بن قریش حکیمی . از اخباریانی بود که از گروهی شنیده داشت<sup>۳</sup> وفاتش در... و این کتابها از اوست : کتاب حلیة الادبا - مشتمل بر اخبار... کتاب سفظ<sup>۴</sup> الجوهر . کتاب الشباب و فضله علی المشیب<sup>۵</sup> . کتاب الفکاهة والدعابه .

### رحابی

نامش ابوعلی

### گروه دیگر جز آنهایی که گذشت

#### ابوالعباس صیمری<sup>۶</sup>

نژادش از کوفه ، وقاضی صمیره بود<sup>۷</sup> ، وی ابوعنبر محمد بن اسحاق بن ابوعنبر ، از مردمان

۱- ف (المزیدی) . ۲- ف (الکاتب) .

۳- ف (قدسمع خبر جماعة) جب (قدسمع من جماعة) .

۴- جب (سقط) . ۵- ف (الشیب) .

۶- ف (ابوالعنبر الصمیری) . ۷- ف (صمیره) و صمیره بفتح اول و بعد جزم

و فتح میم و راء ، نام دو محل است یکی در بصره بردهانه نهر معقل و یکی هم میان شهرهای جبل و خوزستان و شهرست در مهرجان قندق (ر.ک. معجم البلدان)

شوخی مشرب و خرافه گو، و در عین حال، ادیب و ستاره شناس بود. و در این باره کتابهای تألیف کرد، که منجمان با فضل را دیدم آنرا میستایند، متوکل او را ندیم، ویژه خود ساخت، و او را با بحتری در حضور متوکل قصه مشهوریست. و تا دوران معتمد هم حیات داشت و از ندیمان او بود. و این را در هجو آشپز معتمد گفته است:

يَا طَيْبِ أَيَّامِي بِمَعشُوقٍ      وَ نَحْنُ فِي بَعْدِ مِنَ السُّوقِ ¹

إِذَا طَلَبْتُ الْخَبْزَ مِنْ فَارِسٍ      يَنْفَخُ لِي صَالِحِ فِي الْبُوقِ ²

این کتابها از اوست: کتاب تأخیر المعرفة. کتاب العاشق والمعشوق. کتاب الرد علی المنجمین. کتاب الطنبلیب. کتاب کورا بلاء. کتاب طوال اللحنی ³. کتاب الرد علی المطیبین. کتاب عنقاء مغرب. کتاب الراحة و منافع الفداه ⁴: کتاب فضائل حلق الرأس ⁵. کتاب هندسة العقل. کتاب الاحادیث الشاذة. کتاب فضائل الزق ⁶. کتاب الرد علی ابی میخائیل الصیدنانی فی الکیمیا. کتاب مساوی العوام و اخبار السفلة الاغنام. کتاب عجائب البحر ⁷. کتاب الجوابات المسکته. کتاب الحوایین و التریاقات ⁸. کتاب فضل السلم علی الدرجة. کتاب الدولتین فی تفضیل الخلافتین. کتاب الفاس بن الحائك. کتاب تذکرة العقول. کتاب السحاقات و الثعابین ⁹. کتاب الحصصه ¹⁰ فی جلد عمیره. کتاب اخبار ابی فرعون کندر بن جحدر. کتاب تفسیر الرؤیا (کتاب الثقلاء). کتاب نوادر الحوصی. کتاب مناظرته للبحتری. کتاب نوادر القواد. کتاب دعوة العامة. کتاب الاخوان والاصدقاء. کتاب کنی ¹¹ الدواب. کتاب احکام النجوم. کتاب المدخل الی ¹² صناعة التنجیم. کتاب صاحب الزمان. کتاب الحلعتین. (کتاب فضل السلم علی الرحة). کتاب استغاثة الجمل الی ربه. کتاب فضل السرم علی الفم. کتاب نوادره و اشعاره.

### ابو حسان نملی

ابو حسان محمد بن حسان، یکی از نیکان و ادیبان دوران متوکل است، و با او

۱- خوش آن روز گاریکه با معشوقه دوراز بازار بودیم.

۲- و اگر از سواری نانی میخواستیم صالح برای ما بوق میزد.

۳- ف (اللعین).

۴- ف (العیاره).

۵- ف (خلق الانسان).

۶- ف (الزق).

۷- ف (البحره).

۸- ف (الجوارش و الدریاقات).

۹- ف (الیعامیر).

۱۰- ف (الحصصه).

۱۱- ف (کی).

۱۲- جب (فی).



سخنانی داشت. این کتابها از اوست: کتاب برجان و حباحب فی اخبار النساء والباء. کتاب صغیر. این نیز در همان معنی است. کتاب البغاء. کتاب السحق. کتاب خطاب المکاری لجاریة البقال.

### ابوعبر هاشمی

مکنی بابوالعباس محمد بن احمد بن عبدالله بن عبدالصمد بن علی بن عبدالله بن عباس. جحظه گوید کسی را ندیده‌ام چون او متن کتابی را در حفظ داشته باشد و بهتر از او شعر گوید. هیچ صنعت و هنری در دنیا نبود که او با دست خود آنرا نسازد، تاجائیکه دیدم خود او خمیر کرده و نان میپخت. پدرش حامض لقب داشت. و مرد با محفوظات و ادیبی بود. و خود او از ناصبیان سرسخت و ملعونی بود، که در قصر ابن هبیره - زمانی که بآنجا برای گرفتن جیره خود رفت کشته شد. و گروهی از شیعیان<sup>۱</sup> او را کشتند. برای آنکه شنیدند نسبت بعلی علیه السلام<sup>۲</sup> بدگویی میکند. و او را از (بالای) بام (کاروانسرا) که آنجا خوابیده بود پائین انداختند و جان داد (این واقعه) در سال دویست و پنجاه اتفاق افتاد. و از اشعار اوست:

زائرٌ نمّ علیهِ حُسنه	کیف یخفی اللیلُ بدرًا طَلعاً <sup>۳</sup>
أمهل الغفلة حتى أمكنت	ورعی الحارس <sup>۴</sup> حتى هجعاً <sup>۵</sup>
رکبَ الا هوَ آلَ فی زورته	ثم ما سلمَ حتى و دعا <sup>۶</sup>

(این اشعار با اختلاف کمی در الفاظش از عکوک روایت شده است). این کتابها از اوست: کتاب الرسائل. کتاب سماه جامع الحماقات و حاوی<sup>۷</sup> الرقاعات. کتاب المنادمة و اختلاف<sup>۸</sup> الخلفا و الامراء. کتاب نوادره و امالیه. کتاب اخباره و شعره.

### ابن شاه ظاهری<sup>۹</sup>

ابوالقاسم علی بن محمد بن شاه ظاهری<sup>۱۰</sup>، از فرزندان شاه میکال. ادیبی خوب و

- ۱- ف (الرفضه).
- ۲- ف (کرم الله وجهه).
- ۳- زیارت کننده که زیبائیش بر او نمایی میکرد. بهمانگونه که تاریکی شب ماه را پنهان نخواهد ساخت.
- ۴- ف (السامر).
- ۵- از بی توجهی مجالی برای رفتن یافته - و با خواب رفتن پاسبان بسوی مقصد شتافته.
- ۶- و با تحمل بیم و هراس برای این دیدار - هنوز سلامی نکرده خدا حافظی نموده و بجای خود برگشت.
- ۷- ف (و ماوی).
- ۸- ف (اخلاق).
- ۹-۱۰- ف (الظاهری).

خوش مشرب، و ظریف و پاکیزه بود. و این کتابها از اوست : کتاب اخبار الفلمان. کتاب اخبار النساء . کتاب دعوة التجار. کتاب فخر المشط علی المرأة . کتاب الرؤیا . کتاب الخبز (والجبن) والزیتون . کتاب حرب اللحم والسمک. کتاب عجائب البحر. کتاب البغاء و لذاته. کتاب قصیده خیارنا<sup>۱</sup> مکانس . کتاب الضخضخه . کتاب البدال .

### مرد معروف بمبارکی<sup>۲</sup>

(نامش . . .) . و این کتابها از اوست : کتاب الهمج و الرعاع و اخلاق<sup>۳</sup> العوام . کتاب نوادر الفلمان والخصیان .

### کتنجی

نامش . . . در طبقه ابو عنبس و ابو عبر<sup>۴</sup> بود ، و بقولی پس از وفات ابو عبر<sup>۵</sup> جانشین او در حماقت گردید . بخط ابن بامندا<sup>۶</sup> ؛ و گمان دارم مانیداد است - خواندم که کتنجی بسلیمان وهب ، یا عبیدالله - این تردید از من است<sup>۷</sup> - نوشت ، دوستانت فدایت شوند ، چه آنهاییکه مانند من احمقند ، و چه آنهاییکه چون تو عاقلند ، ما در زمانی هستیم که عاقلان چون بهره از عقل ندیدند آنرا رها کردند ، و جاهلان چون سود فراوانی در آن دیدند بآن گرویدند ، آنان برای از دست دادن آنچه را که داشتند ، و اینان ، برای آنچه را که بآن گرویده اند ، از میان رفتند ، و ما ندانیم با چه کسانی زندگانی نمائیم . و این کتابها از اوست : کتاب جامع الحماقات واصل الرقاعات . کتاب الملح والمحمقین . کتاب الصفاعنه . کتاب المخرقه .

### جرباب الدوله

نامش احمد بن محمد بن علوجه سجزی ، طنبور مینواخت (و از مردم ری و بقولی سجزی ، و یکی از ظرفاء بذله گو، ملقب بر خ<sup>۸</sup> و معروف بجرباب الدوله بود. از کتابهای اوست : کتاب النوادر و المضاحک فی سائر الفنون و النوادر . و این کتاب را - ترویج الارواح و مفتاح -

۱- ف (جیادنا) . ۲- ف (المیادکی) .

۳- جب (اختلاف) .

۴- ۵- جب (ابوالعیر) . ۶- ف (نامیداد) .

۷- ف (لاتشک منی) جب (الشک منی) . ۸- ف (بالریح) .

السرور والافراح ، نامیده و بچند فن درآورد ، و کتاب بزرگ است .

### برمکی

کاتب ابو جعفر بن عباسه ، و شتربان معزالدوله ، نامش ... و دستش شل بود . این کتابها از اوست : کتاب الجامع فی اشعار المدلفین<sup>۱</sup> . کتاب النوادر والمضاحک<sup>۲</sup> .

### ابن بکر شیرازی

مردی دلنشین ، با ادب ، و خوش محضری بود . و برای مطیع کتابت میکرد ، و شعر نمکینی داشت این کتابها از اوست : کتاب الشجون وفنون . کتاب انشاء الرسائل - و اینها را از مطیع الله فرا گرفته بود .

### گروه دیگری از متأخران که در جاهای

#### مختلف بودند

### ابن فقیه همدانی

نامش احمد (بن محمد) از ادیبان است ، و جزاین درباره او چیزی نمیدانیم . این کتابها از اوست : کتاب البلدان - در حدود هزار ورق ، که از تألیفات دیگران گرفته ، و کتاب جیهانی را لخت کرده است . کتاب ذکر الشعراء المحدثین والبلغاء منهم والمفحمین .

### عبیدالله

بن محمد بن عبدالملك کاتب ، و این کتابها از اوست : کتاب نشوة النهار و معاقرة العقار . کتاب فضائل الصبوح و مناقبه و معائب الغبوق و مثالبه .

### مرد معروف بابو معتمر

#### یا ابو معمر<sup>۳</sup>

زید بن احمد ابوزید<sup>۴</sup> کاتب . و از کتابهای از اوست : کتاب السجاعة<sup>۵</sup> و تلقیح البلاغة .

۱- ف (المفلقین) .

۲- ف (المضاحک) .

۳- ف (بابن المعتمر او بابی المعتمر) .

۴- ف (بن زید) .

۵- ف (السجاعة) .

که دران احمد بن عیسی بن شیخ را مدح کرده است .

### مسعودی

این شخص از مردم مغرب<sup>۱</sup> و معروف با ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی ، از فرزندان عبدالله بن مسعود . و صاحب تألیفاتی در تاریخ و اخبار ملوک است . و این کتابها از اوست : کتاب معروف ، بمروح الذهب ومعادن الجواهر فی تحف الاشراف والملوک واسماء القرایات<sup>۲</sup> . کتاب ذخائر العلوم و ماکان فی سالف<sup>۳</sup> الدهور . کتاب الاستذکار لما مر فی سالف الاعصار<sup>۴</sup> . کتاب تاریخ فی اخبار الامم من العرب والعجم . کتاب رسائل .

### اهوازی

محمد بن اسحاق ، مکنی بابوبکر . این کتابها از اوست : کتاب النحل و اجناسه ( و عروسه ) . کتاب الفلاحة والعمارة .

### شمشاطی<sup>۵</sup>

ابوالحسن علی بن محمد عدوی ، از مردم شمشاط<sup>۶</sup> . از شهرهای مرزی ارمنستان . ابتدا آموزگار ابوتغلب بن ناصر الدوله و برادرش بود ، و بعد ندیمشان گردید . شاعر ، و مصنف ؛ و مؤلف بود ، و محفوظات خوبی داشته و روایت بسیاری کرده است و در باره او دستم میلرزد<sup>۷</sup> زیرا از قدیم با او شناسائی داشتم ؛ و حالا گویند چون بسن پیری رسیده از اخلاق گذشته اش دست برداشته . و هنوز در قید حیا است . از کتابهای اوست : کتاب الانوار - که در زمینه اوصاف و چیزهای نمکین و تشبیهاتست ، و از قدیم آنرا تألیف کرده و سپس بر آن چیزهایی افزود . کتاب الدیارات - بزرگست . کتاب المثلث الصحیح . کتاب اخبار ابی تمام والمختار من شعره . کتاب القلم<sup>۸</sup> - تألیف بسیار خوبی است .

- ۱- رجوع شود بصفحه ۳۴ همین کتاب .
- ۲- جب ( القرايات ) .
- ۳- ف ( سائر ) .
- ۴- ف ( الاعمار ) .
- ۵- ف ( السمیساطی ) .
- ۶- ف ( سمیساط ) و شمشاط بکسر اول و سکون دوم از شهرهای روم در کنار فرات است ( معجم البلدان ) .
- ۷- ف ( ونسبه تزید ) جب ( و فیه یربد کدی ) .
- ۸- ف ( العلم ) .

### محمد بن اسحاق سراج

از مردم نیشابور است، و مردی معروف بمرزکی<sup>۱</sup> که نامش محمد بن ابراهیم نیشابوری بود از وی روایت کرده و از کتابهای اوست: کتاب الاخبار - در اخبار متأخران. و وزراء، و حکمرانان و آنهایی که در شهرستانها بودند و هر شخص را بتنهائی آورده است. کتاب رسائل - نازکست. کتاب الاشعار المختارة منها والمعاراة.

### ابن خلاد رامهرمزی

ابو محمد حسن بن عبدالرحمن بن خلاد قاضی. تألیفاتی خوب، و تصنیفات نیکوئی دارد و در آنها پیروی از رویه جاحظ نموده است. ابن سوار کاتب بمن گفت: که او طبع شعر هم داشت، و حدیث را شنیده و روایت کرده است. و این کتابها از اوست: کتاب ربیع المتمدن - در اخبار عاشقان. کتاب الفلک<sup>۲</sup> فی مختار الاخبار (والاشعار). کتاب امثال النبی صلعم<sup>۳</sup>. کتاب الريحانین<sup>۴</sup> الحسن و الحسين علیهما و علی اهلها السلام. کتاب امام التنزیل فی القرآن. کتاب النوادر والشوارد. کتاب ادب الناطق. کتاب الرثاء والتعازی. کتاب رسالة السفر. کتاب الشیب والشباب. کتاب ادب الموائد. کتاب المناهل والاعطان والحنین الی الاوطان.

### آمدی<sup>۵</sup>

نامش حسن بن بشر بن یحیی، مکنی بابو القاسم، از مردم بصره و قریب العهد بما، و گمان دارم هنوز زنده باشد. دارای تصنیفات خوب، و تألیفات نیکوئی است، و رویه جاحظ را در کار خود دارد. این کتابها از اوست: کتاب فی شدة حاجة الانسان الی ان يعرف قدر نفسه. کتاب المختلف والمؤتلف فی اسماء الشعراء. کتاب معانی شعر البحتری. کتاب الرد علی علی بن عمار فیما خطاء فيه اباتمام. کتاب الموازنة بین ابی تمام والبحتری. کتاب نثر المنظوم. کتاب فی ان الشاعرین لا یتفق خواطرهما. کتاب فی اصلاح ما فی معیار الشعر لابن طباطبائی. کتاب فی نثر ما بین الخاص والمنزل من معانی الشعر. کتاب فی تفضیل شعر امرؤ القیس علی جاهلیین.

۱- ف (بالمركن).  
 ۲- ف (العلل).  
 ۳- جب (علیه السلام).  
 ۴- ف (الرجحان بین).  
 ۵- (آمد از شهرهای بسیار بزرگ و مهم دیار بکر است (معجم البلدان).

## شطرنجیانی که در بازی شطرنج

### کتاب تألیف کرده‌اند

#### عدلی

نامش ... و این کتابها از اوست : کتاب الشطرنج . و این کتاب اولین تألیفی در شطرنج است . کتاب النرد و اسبابها و اللببها .

#### رازی

نامش ... و او مانند عدلی بود ، و هر دو در پیش متوکل بازی میکردند . و رازی را ، کتاب نازکی در شطرنج است .

#### صولی

ابوبکر محمد بن یحیی که در پیش گفته شد . و مؤلف کتاب الشطرنج - نسخه اول - و کتاب الشطرنج - نسخه دوم است .

#### لجلاج

ابوالفرج محمد بن عبیدالله . من او را دیده‌ام . بشیر از نزد عضدالدوله رفت و همانجا در سال سیصد و شصت و اندی وفات یافت و بسیار ماهر بود از کتابهای اوست : کتاب منصوبات الشطرنج .

#### ابن اقلیدسی

ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن صالح . که در کار شطرنج بسیار زیرک و ماهر بود . کتاب مجموع فی منصوبات الشطرنج - از اوست .

#### قریص مغنی

قریص جراحی ، که در دستگاه ابو عبدالله محمد بن داود بن جراح بود ، و نامش ... و از عالمان و ماهران در آواز و شایستگی آن را داشت که در طبقه جحظه و بعد از او بشمار آید و در آنجا ذکر شود ولی ما آنرا فراموش کرده بودیم . و جحظه درباره او اشعاری گفته که از آن جمله است :

أَكَلْنَا قَرِيصًا وَغَنَى قَرِيصٍ قَبْتْنَا عَلَى شُرْفِ الْفَالَجِ ۱

وفات قریص در سال بیست و چهار است که جحظه هم در آن سال وفات یافت. از کتابهای اوست: ... کتاب صناعة الغناء واخبار المغنين و ذکر الاصوات التي غنى فيها - بترتیب حروف که ناتمام گذاشت . و آنچه که بدست آمد در حدود هزار ورق است .

### ابن طرخان

ابوالحسن علی بن حسن ، رویه خوبی در آواز ، و سرمایه در ادب داشت ، وفات که یافت این تألیفات از او بود : کتاب النوادر والاخبار . کتاب اخبار المغنين الطنبورين . کتاب انساب الحمام . کتاب ماورد فی تفضیل الطیر الهادی .

۱ - نان خورشی خوردیم و قریص آوازی خواند و ما آنجا ماندیم در حالیکه نزدیک بود زمین گیر شویم .

**(چهارمین جزء)****(کتاب الفهرست)****(در اخبار علماء مصنفان از قدماً و متاخران و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند)****(تألیف)****(محمد بن اسحاق ندیم معروف بابوالفرج)****(بن ابویعقوب وراق)****(از روی دستور و خطش نقل گردید)****حکام‌خط‌المصنف  
عبد محمد بن اسحق**

نمونه‌ایست از خط نویسنده  
نسخه چستریبتی، و تقلیدی  
که از خط مصنف کرده است.

**(مقاله چهارم در شاعران)**



# (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ)

(و علیہ اتوکل و به استعین)

مقاله چهارم

از

کتاب الفهرست

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر شعر و شاعران

در دو فن

محمد بن اسحاق گوید : در این مقاله منظور ما این است که معلوم داریم سازندگان، و جمع کنندگان و مؤلفان اشعار قدما و راویان آنان و دیوان اشعارشان، و اشعار قبائل، چه کسانی بودند و چه نامی داشتند. و در فن دوم این مقاله که مشتمل بر اشعار متأخران و شاعران جدید است، مقدار حجم و اندازه شعر هر شاعری را از حیث کمی و زیادی بیان داریم. و خداوند، در این کاریکه بعهده گرفته‌ایم، بکرم و لطف خود، ما را مددکار خواهد بود.

## نام راویان قبائل و اشعار شاعران

### دوره جاهلیت و اسلام تا آغاز دولت

#### بنی عباس

ابوعمر و شیبانی - نامش گذشت . خالد بن کلثوم کوفی - نامش گذشت ، محمد بن حبیب نامش گذشت . طوسی - نامش گذشت . اصمعی عبدالملک بن قریب - نامش گذشت . ابن اعرابی نامش گذشت . و در پیش گفته ایم که این علما از چه کسانی از راویان و فصحاء ، و اعراب ، فرا گرفته بودند و دیگر حاجتی ببردن نام آنان نبوده ، و نیازمندان میتوانند بجاهائی که ذکر شده است رجوع کنند .

#### امرؤ القیس بن حجر

از امرؤ القیس ، ابوعمر و ، واصمعی ، و خالد بن کلثوم ، و محمد بن حبیب ، روایت کرده اند و از تمام این روایات . ابوسعید سکری مجموعه ساخته و بخوبی از عهده بر آمده ، و ابوالعباس احوال نیز آنرا ساخته ولی تمام نکرده ، و ابن سکیت هم آنرا ساخته است .

#### زهیر بن ابوسلمی

گروهی از وی روایت کرده اند ، و بخوبی از عهده بر نیامده و در روایاتشان اختلاف زیادی است . و سکری آنرا بسیار خوب از کار در آورده است .

#### نام شاعرانی که ابوسعید سکری

#### اشعارشانرا جمع کرد

محمد بن اسحاق گوید : از علمائیکه اشعار شاعران را جمع کرده ، و بخوبی از عهده بر آمده ، ابوسعید سکری است ، که نامش حسن بن حسین است ، و ما در جای خود او را ذکر کرده ، و در اینجا نیز کارهای او را بیان مینمائیم . تا علاقمندان بتوانند بهسولت آنرا بدست آورند . و نیز در اینجا کارهای کسانی که خواسته اند ما نند سکری عمل کنند ، و از عهده بر نیامده ، و یا بخوبی انجام داده اند ، ذکر مینمائیم تا حاجتی بتکرار پیدا نشود . (انشاءالله)

عمرو بن معدیکرب : ابو عمرو .  
 مهلهل بن بیعه : اصمعی ، و ابن سکیت .  
 متمم بن بریر<sup>۱</sup> : ابو عمرو و شیبانی ، و اصمعی .  
 بشر بن ابی حازم : اصمعی ، و ابن سکیت  
 متلمس : اصمعی - و دیگران .  
 حمید بن ثور راجز<sup>۲</sup> . اصمعی ، و ابو عمرو ،  
 و ابن سکیت ، و طوسی .  
 عدی بن زید عبادی : گروهی .  
 سحیم بن وثیل عاملی ریاحی ؛ اصمعی ،  
 ابن سکیت .  
 عرو بن ورد : اصمعی ، و ابن سکیت .  
 شیبیب بن برصاء { اصمعی ، و ابن جندب<sup>۳</sup>  
 عمرو بن شاس }  
 مرار فقعی : .....  
 ابوطحان قینی : .....  
 عباس بن عتبه بن ابولهب : .....  
 معن بن اوس : .....  
 عبدالرحمن بن حسان .....  
 فرزنداو سعید بن عبدالرصمن .....  
 عبدالله بن قیس رقیات (اصمعی ، و طوسی)  
 جران العور نمیری .....  
 مضر بن ربیع : اصمعی و دیگران .  
 خدش بن زهیر .....  
 ابو حیه نمیری : اصمعی و دیگران (از  
 متأخران) .  
 سالم بن ابصه<sup>۵</sup> .....  
 شماخ .....  
 راعی (عبید) .....

امرؤ القیس : گفته شد .  
 زهیر : گفته شد .  
 حطیئه : اصمعی و ابو عمرو و شیبانی و طوسی  
 و ابن سکیت جمع کرده اند .  
 لبید بن بن ربیع عامری : ابو عمرو و شیبانی  
 و اصمعی و ابن سکیت و طوسی جمع کرده اند .  
 درید بن صمه چشمی : ابو عمرو و شیبانی و  
 اصمعی .  
 اعشی الکبیر : ابو عمرو ، و اصمعی و ابن  
 سکیت و طوسی ، و ثعلب .  
 اعشی باهله : اصمعی ، و ابن سکیت  
 (زبرقان یزید : اصمعی ، و ابو عمرو ، و  
 دیگران)  
 مسیب بن علس : گروهی .  
 حمیدار قط : اصمعی ، و ابو عمرو ، و ابن  
 سکیت ، و طوسی .  
 عدی بن رقاع (عاملی) گروهی .  
 طرماح : طوسی بسیار خوب ، و گروهی  
 عباس بن مرداس (سلمی) : طوسی ، و ابن سکیت .  
 نمر بن توابع<sup>۴</sup> : اصمعی ، و ابن اعرابی  
 نابغه ذبیانی : اصمعی نیز آنرا جمع ،  
 و خوب از عهده بر نیامده ابن سکیت ، و طوسی  
 خوب جمع کرده اند .  
 نابغه جعدی : اصمعی ، و ابن سکیت ، و طوسی  
 جمع کرده اند .  
 تمیم بن ابی (بن) مقبل : ابو عمرو ، و  
 اصمعی ، و طوسی ، و ابن سکیت .

ابواسواد دوئلی : اصمعی ، و ابو عمرو

حادره (ابن درید . و نیز) .

خریبه<sup>۱</sup> : گروهی .

مزاحم عقیلی : گروهی .

خنساء : ابن سکیت ، و ابن اعرابی ، و

دیگران

### کمیت

اصمعی آنرا جمع کرده، و ابن سکیت بر آن چیزهایی افزود. و گروهی آنرا از ابن کناسه اسدی روایت کرده اند. و ابن کناسه آنرا از ابو جری، و ابو موصول، و ابو صدقه، که همه از بنی اسد میباشند، روایت کرده است. و ابن سکیت آنرا از نصران استاد، روایت کرده، و نصران گوید: که شعر کمیت را بر ابو حفص عمر بن بکیر قرائت کرده ام. و سکری نیز شعر کمیت را جمع کرده است.

### ذوالرمه

گروهی آنرا جمع و روایت کرده اند. و آنکه ابوالعباس (احول) جمع کرده، از تمام روایات است. سکری نیز آنرا جمع، و بیشتر از آن گروه اضافاتی بر آن نموده است (و کسیکه شعر ذوالرمه را از وی روایت کرد، حریش بن تمیم بروایت از پدرش است) و هلال بن میاس، و منتجع بن نبهان آنرا جمع، و ابو عبیده آنرا از منتجع روایت کرده، و لیث بن ضمام<sup>۲</sup> آنرا از ابو مرضی، و قاسم<sup>۳</sup> بن قاسم، از ابو جهمه عدوی روایت کرده اند.

### ابونجم عجلی

شعر ابونجم را ابو عمرو و شیبانی از محمد بن شیبان بن ابونجم، و از ابوازهر پسر دختر ابونجم روایت کرده، و ابو سعید سکری آنرا بسیار خوب جمع کرده است.

### عجاج راجز .

اصمعی، و ابو عمرو و شیبانی جمع کرده اند.

### رؤبه بن عجاج

از متأخران شعرا، و اصمعی شعرا را از وی روایت کرده، و همچنین ابو عمرو و شیبانی

۱- ف (حرثیه) . ۲- جب (اللبوبن صمام) . ۳- جب (الیسیر) .

و گروهی از علما ، و ابوسعید سکری آنرا جمع و بخوبی از عهده برآمده است .

### اخطل

سکری آنرا ساخته ، و بخوبی از عهده برآمده است .

### فرزدق

سکری آنرا ساخته و بخوبی از عهده برآمده است . و سکری در اشعار جریر کاری نکرده ، بلکه گروهی از علما ، چون ابوعمرو شیبانی ، و اصمعی ، و ابن سکیت آنرا جمع-آوری کرده اند . و ابن کوفی نوشته است که مسحل بن کسب بن عطا<sup>۱</sup> بن خطفی نیز<sup>۲</sup> شعر جریر را از خود جریر روایت نموده است .

### نقائض جزیر و فرزدق

ابوعبیده معمر بن مثنی ، روی آن کار کرده . و اصمعی آنرا روایت نموده ، و روایتش غیر از روایت ابوعبیده است . و ابوسعید حسن بن حسین نیز روی آن کار کرده و بخوبی از عهده برآمده . و ابومغیث ازدی هم آنرا جمع آوری کرده ، که ثعلب از وی روایت نموده است .

### نام کسانی که جریر را نقض و جریر

#### آنها را نقض کرده است

نقائض جریر و اخطل (ابوعمر و - واصمعی) . نقائض جریر و عمرو بن لجا (ابوعمر و - واصمعی) . نقائض جریر و فرزدق .

### نام فرزندان جریر که شاعر بودند

#### (و نواده‌های او)

نوح<sup>۳</sup> بن جریر - شعر کمی دارد . بلال بن جریر - شعر کمی دارد . دختر جریر ، نامش ... (شعر کمی داد) عقیل بن بلال - شعر کمی دارد . عماره بن عقیل - شاعری خوب و شعرش زیاد است .

۱- ف (عکمه) . ۲- جب (ونقائضه) ف (ایضا) .

۳- جب (نوحم) .

## نام قبیله‌هائیکه سکری جمع آوری نموده

### (بنوشته برخی از علماء)

اشعار بنی ذهل. اشعار بنی شیبیان. اشعار بنی ابوریعه. اشعار بنی یربوع. اشعار طی.  
 اشعار بنی کنانه. اشعار بنی ضبه. اشعار فزاره. اشعار بجیله. اشعار قین<sup>۱</sup>. اشعار بنی یشکر.  
 اشعار بنی حنیفه. اشعار بنی محارب. اشعار ازد. اشعار بنی نهشل. اشعار بنی عدی. اشعار  
 بنی نمیر<sup>۲</sup>. اشعار بنی عبدود (بن...). اشعار بنی مخزوم. اشعار بنی اسد. اشعار بنی حارث.  
 اشعار فهم (وعدنان). اشعار مزینه و عدوان.  
 و نیز از شعر شاعران: شعر هدبة بن خشرم. (وزیاد بن زید) و کمیت بن معروف.  
 و ضمّه قشیری است که مفضل بن سلمه نیز آن را جمع آوری کرده است.

## (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ)

### فن دوم - از مقاله چهارم

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر

نام شاعران متأخر و برخی از شاعران دوره اسلام و مقداریکه

از اشعارشان بدست آمده تا زمان ما

محمد بن اسحاق گوید: در آغاز این مقاله گفته شد که ما نمیخواهیم شاعران را طبقه بندی نمایم، زیرا پیش از ما علما و ادیبانی سبقت این کار را بر ما داشته‌اند، بلکه منظور ما این است که نام شاعران و مقدار شعر هر یک را - با تفاوتیکه در اشعارشان است - ذکر نمایم، تا کسیکه خواستار جمع آوری کتاب و اشعار است، آنرا دانسته و بر آن آگاهی داشته باشد. و اگر گفتیم شعر فلان شاعر ده ورق است مراد ما ورق سلیمانی<sup>۱</sup> است که دارای بیست سطر، باین معنا که یک صفحه گنجایش بیست سطر را داشته باشد. و همین را پایه گفتار ما در کمی و زیادتی اشعارشان بدانند، و این هم از روی تقریب و مشاهداتی است که در طول

۱ - منسوب بسلیمان بن راشد است که در دوران هارون الرشید والی خراسان بود (لغتنامه دهخدا ذیل - کاغد).

اینمدت داشته‌ایم نه از روی تحقیق و تعیین قطعی شماره اشعار .

### بشار بن برد

ملقب بمرغث<sup>۱</sup> ، برده بنی عقیل ، و نژادش را فارسی گفته‌اند . اشعار او ، در نزد کسی یا در دیوانی جمع نگردیده ، و من در اوراق متفرق در حدود هزار ورق از آن را دیده‌ام و گروهی نیز منتخباتی از آن داشته‌اند .

### ابن هرمه

ابراهیم بن علی بن هرمه ، تنها اشعارش دویست ورق است ، ولی آنچه ابوسعید سکری ساخته ، در حدود پانصد ورق بوده ، وصولی نیز آن را جمع‌آوری نموده ، ولی کاری از پیش نبرده است .

### ابوعتاهیه

وضعیت اشعار او همچو اشعار بشار است . و آنچه از اشعارش در موصل دیدم از بیست جزوه بیشتر - در نیم ورق طلحی<sup>۲</sup> بخط ابن‌عمار بود که اشعار متأخران را مینوشت . و آنرا که من دیدم دلالت برسی جزوه داشت . و گروهی اخبار و منتخبات<sup>۳</sup> شعرا و را جمع‌آوری کرده‌اند که ما در ذکر احوال آنان اشاره بکار کردشان کرده‌ایم .

### ابونواس

شهرتش ما را بی‌نیاز از تحقیق درباره نسب و اخبارش داشته ، و وفاتش در آشوبی بود که در سال دویست ، پیش از آمدن مأمون از خراسان ، برپا شد . و ابن‌قتیبه آن را در سال یکصدونود و نه دانسته است . و از کسانی که اشعار او را - بدون رعایت ترتیب حروف - جمع کرد ، راویه او یحیی بن فضل است که آنرا بده صنف در آورد . و از علماء ، ابویوسف یعقوب بن سکیت است که آنرا تفسیر هم کرده ، و در حدود هشتصد ورق است ، و او نیز آنرا بده صنف در آورده ، و ابوسعید سکری نیز آنرا جمع‌آوری کرده ولی با تمام نرساند ، و مقدار کار - کرد او دوثلث از آن اشعار ، و در حدود هزار ورق است .

۱- ف (مرغث) و مرغث بمعنی مادینه شیردار (منتهی‌الارب) .

۲- منسوب بطلحة بن طاهر دومین امیر خاندان طاهر است (لغتنامه دهخدا - ذیل کاغذ) .

۳- ف (اخبار) جب (اختیار) .



## ادبیانیکه روی اشعار ابونواس

## کار کرده اند

صولی : آنرا بترتیب حروف جمع و منحول آن را انداخته است .  
 علی بن حمزه اصفهانی : آنرا بترتیب حروف جمع کرده است .  
 یوسف بن دایه : اخبار او و منتخباتی از اشعارش را جمع کرده است .  
 ابوهفان : اخبار او و منتخباتی از اشعارش را آورده است .  
 ابن وشا ابوالطیب : اخبار او و منتخباتی از اشعارش دارد .  
 ابن عماره : اخبار او و منتخباتی از اشعار او را جمع کرده ، و رساله نیز در معایب و دزدیدیهایش تألیف نموده است . خاندان منجم در تألیفاتی که درباره اشعار متأخران دارند ، اخبار و منتخباتی از اشعار او را آورده اند ، که در جای خود گفته ایم . ابوالحسن شمشاطی<sup>۱</sup> نیز اخبار ابونواس و منتخبات اشعار او را جمع ، و از او دفاع نموده و خوبیهایش را شمرده است .

## مسلم بن ولید

کارهایش مشهور ، و شعرش در حدود دویست ورق است ، که صولی ، و یکنفر دیگر (معروف) به ..... در زمان ما - آنرا جمع کرده است .

## مروان بن ابوحفصه رشیدی

## و خانواده و فرزندان شاعر او

ابوحفصه اولی ، نامش یزید ، در دوران عثمان بن عفان رضی الله عنه بود ، و شعرش بسیار کم است . یحیی بن ابوحفصه ، در دوران عبدالملک بن مروان ، اشعار کمی در حدود بیست ورق دارد . مروان بن سلیمان بن ابوحفصه ، مکنی بابوسمط . شاعر است که شعرش در حدود سیصد ورق است . ابوسمط مروان بن ابوجنوب بن مروان ابوسمط . شاعر است که شعرش در حدود یکصد و پنجاه ورق است . محمد بن مروان بن ابوجنوب . شاعر است که شعرش در حدود پنجاه ورق است .

متوج<sup>۱</sup> بن محمود بن مروان بن ابوجنوب ، شاعر ، و شعرش در حدود یکصد ورق است ،  
 ابوسلیمان ادريس بن سليمان بن ابوحفص ، شاعر ، و شعرش در حدود یکصد ورق است .  
 محمد بن ادريس - شعر کمی ، در حدود یکصد ورق دارد .  
 آمنه دختر ولید بن یحیی بن ابوحفصه . شعر کمی دارد . ابوسمط عبدالله بن سمط ،  
 شعرش در حدود یکصد ورق است .

### شاعران خاندان رزین بن سلیمان<sup>۲</sup>

علی بن رزین شاعریست که شعرش در حدود پنجاه ورق است .  
دعبل بن علی خزاعی ، شعرش در حدود سیصد ورق ، و صولی آن را جمع کرده است .  
و این کتابها نیز از اوست . کتاب طبقات الشعراء . کتاب الواحده .  
 (رزین بن علی ، شعرش در حدود پنجاه ورق است) .  
 حسین بن دعبل شاعریست که شعرش در حدود دویست ورق است .  
 ابوشیص محمد بن عبدالله بن رزین پسر عموی<sup>۳</sup> دعبل ، مکنی بابو جعفر ، شاعریست که  
 شعرش در حدود یکصد و پنجاه ورق و صولی آن را جمع آوری کرده است .  
 عبدالله بن ابوشیص ، شاعریست که شعرش در حدود هفتاد ورق است .

### خاندان ابو عتاهیه .

ابو عتاهیه را پیش از این گفته ایم . و در اینجا فرزندان و نواده های او را که شاعر  
 بودند ذکر مینمائیم :

محمد بن ابو عتاهیه ، مکنی بابو عبدالله ، از عابدان و ملقب بعتاهیه بود (و شاعریست که  
 شعرش در حدود پنجاه ورق است) .

(عبدالله بن محمد بن ابو عتاهیه ، شاعریست که شعرش پنجاه ورق است) .  
 (ابوسوید عبدالقوی بن محمد بن ابو عتاهیه ، شاعریست که شعرش پنجاه ورق است) .

### (خاندان طاهر بن حسین)

(ابوالحسین طاهر بن حسین ، شاعر ، و مقدار شعرش پنجاه ورق است) .  
 (عبدالله بن طاهر بن حسین ، شاعر ، و مقدار شعرش پنجاه ورق است) .

۱- ف (فتوح) . ۲- ف (الرزین بن سلیمان له شعر) . ۳- جب (بن عمر) .